



کد محصول
ES1956



آخرین بروزرسانی
۲۹ تیر ۱۴۰۵

درسنامه آزمون

کنکور دانشگاه فرهنگیان

- ✓ پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان
- ✓ نسخه رایگان شامل ۱۰۷ صفحه (صفحات کمتر و بدون سوال)
- ✓ برای تهیه نسخه اصلی، حاوی ۱۶۶ صفحه به همراه سوالات خود آزمایی، به سایت ایران عرضه مراجعه نمایید.



لینک های مفید آزمون کنکور فرهنگیان

خرید درسنامه کنکور فرهنگیان	سوالات رایگان کنکور دانشگاه فرهنگیان با پاسخنامه
خرید سوالات کنکور فرهنگیان	جزوات خلاصه + نکات آزمون
فایل اطلاعات آزمون	منابع آزمون
اخبار آزمون	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)
(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )	
آخرین بروزرسانی های محصول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ تالیف مجدد محصول	

فهرست مطالب

❖ فصل اول: هوش و استعداد معلمی (خلاصه) - صفحه ۴

❖ فصل دوم: تعلیم و تربیت اسلامی - صفحه ۱۵

- بخش اول: مهارت معلمی استاد محسن قرائتی فقط ۳ فصل اول (خلاصه + نکات)
- بخش دوم: دین و زندگی یازدهم رشته های ریاضی، تجربی و فنی (فقط درس ۱۱ و ۱۲) (خلاصه + نکات)
- بخش سوم: دین و زندگی ۱ پایه دهم رشته انسانی کد ۱۱۰۲۰۵ (فقط درس ۹ تا ۱۴) (خلاصه + نکات)
- بخش چهارم: دین و زندگی ۱ پایه دهم رشته ریاضی، تجربی و فنی کد ۱۱۰۲۰۴ (فقط درس ۸ تا ۱۲) (خلاصه + نکات)
- بخش پنجم: دین و زندگی یازدهم رشته انسانی (فقط درس ۱۶ الی ۱۸) (خلاصه + نکات)

این فایل، خلاصه ای از جزوه کنکور دانشگاه فرهنگیان می باشد. در صورت تمایل به تهیه نسخه کامل آن به همراه سوالات خودآزمایی، می توانید این محصول را از سایت ایران عرضه خریداری نمایید.

خرید محصول

❖ فصل اول: هوش و استعداد معلمی (خلاصه)

◀ بخش اول: هوش منطقی (استدلالی)

- درک مطلب

هدف از این بخش از سوالات هوش، سنجش توانایی فرد در درک متون، قدرت تجزیه و تحلیل، یافتن اطلاعات خاص و به کار بردن اطلاعات می باشد. در توضیحی دیگر میتوان گفت که سوالات این بخش، توانایی های فرد را در موارد زیر ارزیابی میکنند: تشخیص اطلاعات صریح، برداشت مفاهیم ضمنی، تحلیل ساختار متن، نتیجه گیری منطقی، درک هدف نویسنده << با توجه به موارد ذکر شده در بالا میتوان گفت که ماهیت و نوع سوالات در بخش درک مطلب به طور کلی به صورت زیر میباشد:

+ منظور اصلی نویسنده از متن چیست؟
+ کدام گزینه ارتباط پاراگراف با متن را به خوبی بیان میکند؟
+ بهترین نتیجه گیری ممکن از متن داده شده چیست؟
+ مناسب ترین عنوان برای متن داده شده کدام میباشد؟
+ جمله داده شده در کدام جایگاه میتواند قرار بگیرد؟
+ ... و ...
<< اصولی ترین راهکار برای پاسخ دهی به این دسته از سوالات، مطالعه اصولی و دقیق و تحلیلی متن است. این مطالعه را میتوان در سه گام انجام داد:

+ گام اول (خواندن صورت سوال ها): صورت سوال ها بدون توجه به گزینه ها خوانده میشود.
+ گام دوم (خواندن دقیق متن): نیاز است که اطلاعات کلیدی و نکات مهم موجود در متن مشخص شوند.
+ گام سوم (پاسخ به سوالات): ابتدا نوع سوالات را مشخص میکنیم و سپس با استفاده از تکنیک مرتبط با هر نوع، نسبت به پاسخ دهی به سوال اقدام کنیم.

* مهمترین نکته در پاسخ دهی به سوالات درک مطلب این است که نتیجه گیری و پاسخ دهی باید بر اساس آنچه در متن داده شده است باشد، خواه این موارد صحیح باشند یا غلط، خواه مورد توافق باور های ذهنی ما باشند یا نه.

- سوالات کلی متن:

* یافتن ایده یا پیام اصلی متن: برخی سوالات در پی این هستند که فرد بتواند ایده یا پیام اصلی متن و یا بهترین عنوان متن را بیابد. در پاسخ دهی به این دسته سوالات باید جمله اول و آخر هر متن یا پاراگراف به دقت مطالعه شود. در برخی موارد نویسنده با ارائه چند ایده و نظر و با آوردن کلمات کلیدی نظیر «ولی»، «اما»، «با وجود این» و ... به دنبال رد آنها میباشد که پاسخ در جمله بعد از این کلمات نهفته است.

* یافتن ساختار کلی متن: برخی سوالات نوع و ارتباط بین پاراگراف ها و برداشت کلی از یک پاراگراف را هدف قرار می‌دهند. از مهمترین انواع روابط پاراگراف ها عبارتند از نظر، مقایسه، تعریف و اختلاف.

- سوالات جزئی متن

* جزئیات اشاره شده در متن: برخی سوالات جزئیات خاصی را در ارتباط با یک موضوع هدف قرار می‌دهند. در این سوالات باید به کلمات کلیدی توجه شود و پس از یافتن خود آن یا معادلش در متن، پاسخ سوال را پیدا کرد. صورت این دسته از سوالات به حالت «متن فوق نشان می‌دهد که...»، «بر طبق متن، کدامیک از گزینه ها صحیح می‌باشد؟» و ... می‌باشد.

- استدلال منطقی

هدف از طرح این دسته از سوالات، سنجش و ارزیابی توانایی فرد در درک و تشخیص ساختار استدلال درست و نادرست می‌باشد. سوالات استدلالی به دو دسته سوالات تحلیل متنی و سوالات گزاره های منطقی تقسیم بندی میشوند. در این دو دسته متن کوتاهی آورده میشود که برای پاسخ دهی به آنها باید با انواع استدلال آشنایی داشته باشید تا بتوانید از متن نتیجه گیری مطلوب را حاصل کنید. انواع استدلال عبارتند از: استدلال قیاسی (استنتاجی)، استدلال استقرایی، استدلال تشبیهی. - سوالات منطقی در آزمون ها به حالت های زیر طراحی میشوند:

+ در خصوص تضعیف استدلال + در خصوص تقویت و تحکیم استدلال

+ در خصوص فرضیه پردازی و نتیجه گیری + در خصوص یافتن فرض پنهان

- تضعیف استدلال: در این دسته از پرسش ها، پس از ارائه یک متن کوتاه، از فرد خواسته میشود تا گزینه ای را که بیش از همه، استدلال موجود در متن را تضعیف میکند انتخاب نماید.

- تقویت استدلال: در پرسش های مطرح شده از تقویت استدلال، پس از ارائه یک متن کوتاه، از فرد خواسته میشود تا گزینه ای را که بیش از همه، استدلال موجود در متن را تقویت میکند، انتخاب نماید.

<< تکنیک های حل مسئله: در ادامه به معرفی تکنیک های مناسب و بعضا لازم برای حل سوالات استدلال منطقی میپردازیم که برای موفقیت در این بخش، میتوانید از آن استفاده نمایید:

- تحلیل گام به گام: تقسیم بندی اطلاعات داده شده به قطعات کوچکتر و بررسی دقیق هر قطعه. تعجیل در پاسخ دهی ممکن است منجر به اشتباه شود.

- رسم نمودار یا جدول: در سوالات تحلیلی یا ترتیبی، رسم نمودار یا جدول کمک شایانی به ثبات اطلاعات و سازماندهی آنها میکند و باعث رسیدن سریعتر به پاسخ صحیح میشود.

- تحلیل منطقی

تحلیل منطقی یکی از مهمترین بخش های آزمون های هوش و استعداد است که مهارت های استدلالی، تحلیلی و نتیجه گیری فرد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این بخش با تمرکز بر فهم روابط پیچیده، شناسایی الگوها و ...، توانایی فرد در برخورد با مسائل غیرمعمول را محک میزند.

<< هدف طراحی این دسته از سوالات ارزیابی و بررسی توانایی های فرد در زمینه های زیر میباشد:

+ درک روابط پیچیده + تفکر نظام مند + استنتاج و تعمیم + حل مسائل چندبخشی

این مهارت ها در موقعیت های روزمره و شغلی نیز کاربردی هستند، زیرا به فرد کمک میکنند تا با مسائل پیچیده به شکلی سازمان یافته و منطقی برخورد کند. سوالات این بخش نیاز به هیچ پیش فرض ذهنی ندارند و برای پاسخ دهی به این سوالات باید سه گام اصلی طی شود:

+ مدل سازی مسئله تعریف شده بر اساس قواعد موجود + خلاصه + نکات کردن قواعد بر اساس مدل بدست آمده

+ پاسخ به سوالات براساس مدل و قواعد مسئله

<< تکنیک های حل مسئله: برای حل سوالات تحلیل منطقی، در زیر به معرفی تکنیک های لازم و مناسب میپردازیم که برای بررسی و حل سوالات این بخش، میتوانید از آنها استفاده نمایید:

- خواندن دقیق سوال: مطالعه دقیق سوال و شرایط آن. زیرا که حتی یک کلمه ممکن است سرخی مهم در مسئله باشد.

- تحلیل گام به گام: تقسیم بندی اطلاعات داده شده به قطعات کوچکتر و بررسی دقیق هر قطعه. تعجیل در پاسخ دهی ممکن است منجر به اشتباه شود.

- رسم نمودار یا جدول: در سوالات تحلیلی یا ترتیبی، رسم نمودار یا جدول کمک شایانی به ثبات اطلاعات و سازماندهی آنها میکند و باعث رسیدن سریعتر به پاسخ صحیح میشود.

- مسائل جدول بندی و ترکیبی

از مهمترین بخش های سوالات تحلیل منطقی، سوالات جدول بندی و مسائل ترکیبی هست. برای حل این نوع مسائل نیازی به هیچ نوع پیش فرضی ذهنی نیست. حل این مسائل را میتوان در طی سه گام انجام داد که این گام ها عبارتند از:

+ مدل سازی مسئله تعریف شده بر اساس قواعد موجود + خلاصه + نکات کردن قواعد بر اساس مدل به دست آمده

+ پاسخ به سوالات بر اساس مدل و قواعد مسئله

پس از مدل سازی و خلاصه + نکات کردن قواعد، با یک مسئله تک حالت و یا چند حالت روبرو خواهیم شد. در مسئله تک حالت بین سوالات مختلف رابطه وجود داشته و پاسخ به هر سوال بخشی از اطلاعات مربوط به مدل را تکمیل خواهد نمود. در مسائل چند حالت، به هر سوال مستقل از سایر سوالات باید پاسخ داده شود؛ در واقع هر اطلاعاتی که در هر سوال مطرح میشود، فقط برای همان سوال صدق میکند.

- الگویابی منطقی

بحث الگویابی در سوالات هوش مسئله ای مهم است که در انواع مختلفی مشاهده میشود. از انواع این الگو ها میتوان به الگو های عددی، الگو های تصویری و الگو های کلامی و ترکیب این سه مورد اشاره کرد. سه مورد اول هر کدام در بخش های مربوط به خود، به طور کامل توضیح داده خواهند شده و تمرکز ما در این بخش بر روی الگو های ترکیبی است.

- الگوی ترکیبی عدد و شکل: این دسته از الگو ها، الگو هایی هستند که اعداد موجود در آنها را نمیتوان دنباله ای ساده از اعداد در نظر گرفت، زیرا که این سوالات ترکیبی از اعداد و اشکال هستند.

- الگوی ترکیبی عدد و حرف: در این دسته از سوالات، هر چند نامشخص و مخفی، رابطه ای از اعداد نیز در سوالات وجود دارد. در این دسته از سوالات موارد مختلفی همانند تعداد حروف و یا حتی تعداد نقاط باید مورد توجه واقع شود.

بخش دوم: هوش کلامی

سوالات بخش هوش کلامی در آزمون ها، از قسمت های مختلفی تشکیل شده اند. فارغ از تفاوت های ظاهری که در میان سوالات این دسته وجود دارد، در همه سوالات مفهوم مورد نظر در قالب کلمات و عبارات ذکر گردیده است که از این نظر همگی مشابه هم هستند. سوالات هوش کلامی به طور عمده شامل حالت های زیر میباشد:

- + طبقه بندی کلمات
- + نسبت کلامی (استدلال کلامی)
- + طبقه کلمات
- + کلمات متضاد و مترادف
- + معنی لغات

سوالات این بخش شباهت کمتری به سوالات هوش دارد. بعضی از سوالات مانند معانی لغات یا کلمات متضاد و مترادف و چیزهایی از این نوع، شباهت های زیادی به سوالات ادبیات فارسی آزمون ها دارند.

- طبقه بندی کلمات

بخش طبقه بندی کلمات خود به دو دسته تقسیم میشود.

- + یک موضوع بین تمامی گزینه ها به غیر از یک گزینه مشترک است و هدف، یافتن گزینه غیرمشترکه
- + کلمه یا عبارت داده شده با گزینه ها ارتباط نزدیکی دارد، اما از نظر منطقی با یکی از گزینه ها، ارتباط بیشتر و نزدیک تری از نظر طبقه ای یا معنایی دارد.

- تناسب لغوی

در این نوع از سوالات رابطه بین کلمات مورد نظر است. معمولاً در متن سوال نوعی رابطه یا نسبت بین دو کلمه مشخص شده و از فرد خواسته میشود که چنین رابطه ای را بین دو کلمه دیگر برقرار کند.

* نکته بسیار مهمی را که باید به آن اشاره کرد این است که در این دسته از سوالات، همانند سوالات طبقه بندی کلمات، باید به دنبال رابطه اساسی بود. اگر نسبت یا رابطه ی کشف شده تا حدی سطحی بوده و به ظاهر کلمات بستگی دارد، باید به بررسی و کاوش بیشتری پرداخته شود. فقط در صورتی میتوان رابطه کشف شده را به کار برد که بعد از بررسی های لازم نتوان رابطه دیگری را پیدا کرد.

از انواع رابطه هایی که میتوان میان واژه ها عبارت ها در این دسته از سوالات دید، میتوان موارد زیر را نام برد:

- + رابطه هدف
- + رابطه علت و معلول
- + رابطه جزء و کل
- + رابطه جزء و جزء
- + رابطه فعل و مفعول
- + رابطه مترادف و متضاد
- + رابطه مکان
- + رابطه کار و کارگر
- + رابطه ابزار و اندازه
- + رابطه ابزار و کاربر
- + رابطه ابزار و کاربرد
- + رابطه کمیت و واحد
- + رابطه والد و اولاد
- + رابطه محصول و ماده اولیه

بخش سوم: هوش ریاضی

بخش کمیتی سوالات هوش در مجموع شامل سوالات حل مسئله، سوالات مقایسه های کمی، کار با داده های آماری، هوش عددی و هندسه میشود که هر بخش نکات و تکنیک های خاص خود را دارد؛ که میتوانید با تمرین بر روی این تکنیک ها شانس موفقیت خود را در این بخش افزایش دهد.

- سوالات حل مسئله: لازمه پاسخ دهی به سوالات حل مسئله، تسلط کافی بر روی مفاهیم ریاضی متوسطه میباشد.
- سوالات مقایسه های کمی: در این سوالات دو عبارت ریاضی داده شده و خواسته مسئله این است که به کمک قوانین ساده مربوط به نامساوی ها و نامعادلات، باهم مقایسه شده و نتیجه مطلوب به دست بیاید.
- سوالات کار با داده های آماری: در این بخش نتایج کمی یک تحقیق آماری در قالب جدولی از اعداد آورده میشود و داوطلب باید بتواند با تحلیل این داده ها به نتایج جدید دست یابد و یا نواقص جدول را برطرف نمایند.

- نسبت و تناسب

- رابطه میان دو کمیت همجنس از نظر اندازه، که مشخص میکند یک کمیت چند برابر دیگری است را نسبت میگویند. نسبت کمیت a به b ، به صورت $\frac{a}{b}$ نشان داده میشود. این حالت در مسائل هوش به صورت های مختلفی استفاده میشود که از جمله آنها میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- از انواع تناسب میتوان به مواردی همچون تناسب مستقیم، تناسب معکوس و تناسب مرکب اشاره کرد.
- + تناسب مستقیم: افزایش یا کاهش یکی از متغیر ها باعث افزایش یا کاهش دیگری میشود.
- + تناسب معکوس: تناسبی که ارتباط بین نسبت ها معکوس میباشد یعنی با افزایش یکی، دیگری کاهش میابد و برعکس.
- + تناسب معکوس شکسته: این نوع از تناسب در مسائلی به کار میرود که در آنها یکی از کمیت ها پس از طی دوره ای تغییر میکند.
- + تناسب مرکب: این دسته از تناسب ترکیبی از دو حالت قبلی میباشد. اگر تعداد و اجزا یک تناسب بیش از دو جز باشد (۳) به بالا) با این نوع از نسبت سر و کار داریم.

+ میانگین توافقی یا همساز: میانگین توافقی اعداد مثبتی همچون $x_1, x_2, \dots, x_n$ به صورت $\frac{1}{\frac{1}{x_1} + \frac{1}{x_2} + \dots + \frac{1}{x_n}}$ تعریف میشود.

- درصد (خرید و فروش - سود و زیان - رشد و زوال)

در صورتی که در نسبت دو عدد، مخرج کسر برابر با ۱۰۰ نباشد، برای بیان آن به صورت درصدی، کافی است که عدد را در ۱۰۰ ضرب کنیم و آن را به صورت درصدی بیان کنیم: $\frac{2}{5} * 100 = 0.4 * 100 = 40\%$

<< حالت های کلی برای مسائل درصدی را میتوانید در زیر مشاهده کنید:

- # چنانچه تعداد مسافران هواپیمایی برابر a نفر باشد و x درصد آنها خانمها باشند، چند نفر خانم در هواپیما هستند؟
- # فردی کالایی را با قیمت x خریده است، در صورتی که وی بخواهد y درصد سود کند، با چه قیمتی باید کالا را بفروشد؟

مسائل درصدی که با حالت هایی مشابه سه حالت نهایی در بالا طراحی میشوند، تحت عنوان مسائل خرید و فروش یا سود و زیان نیز بیان میشوند.

- الگوها و روابط عددی

بخشی دیگر سوالات هوش ریاضی، سوالاتی هستند که در آنها دسته ای از اعداد داده میشود که در میان آنها رابطه یا الگوی خاصی وجود دارد. این بخش از سوالات انواع مختلفی دارند که در ادامه به بررسی و تشریح آنها میپردازیم:

- دسته اول دنباله هایی هستند که از یک دنباله حسابی یا هندسی پیروی میکنند. این دسته از سوالات در زمره راحت ترین سوالات هوش هستند که با سوالات ریاضی مشترک هستند:

- دسته دوم دنباله هایی هستند مشابه دسته اول، با این تفاوت که قدر نسبت آنها، خود از یک الگوی خاص پیروی میکند.
- دسته سوم دنباله هایی هستند که دو قدر نسبت دارند. به عنوان مثال جمله های فرد و جمله های زوج دارای قدر نسبت های متفاوت هستند.

- دسته چهارم دنباله هایی هستند که از قواعد دنباله های حسابی یا هندسی پیروی نمیکنند. این دسته از دنباله ها اکثرا به صورت جمع دو عدد قبلی یا نسبت دو عدد قبلی به دست می آیند از معروفترین این دنباله ها، دنباله فیبوناچی است.

- کار با داده های آماری/ عددی

در سوالات این بخش، داده های کمی یک تحقیق در قالب یک جدول یا نمودار و یا ترکیبی از آنها داده میشود و از داوطلبان خواسته میشود تا با تحلیل داده ها، به اطلاعات دقیقتری دست یابند. سوالات این بخش را به طور کلی میتوان در سه دسته زیر تقسیم بندی کرد:

- سوالات مبتنی بر جداول اطلاعاتی.

- سوالات مبتنی بر نمودار های آماری.

- سوالات مبتنی بر ترکیب جدول و نمودار.

* به شاخص های میانگین و میانه و مد، شاخص های مرکزی گفته میشود.

- میانگین: برای به دست آوردن میانگین چندین داده عددی، ابتدا مجموع آنها را به دست میآوریم و سپس مقدار مجموع را بر تعداد آنها تقسیم میکنیم. اگر مجموع n داده آماری برابر با X باشد، میانگین آنها برابر است با $\bar{x} = \frac{X}{n}$.

+ چنانچه عددی همچون a را به داده ها اضافه کنیم میانگین جدید برابر خواهد بود با: $\bar{x} = \frac{X+a}{n+1}$

+ اگر تمامی داده ها با عدد ثابتی جمع شوند یا به عدد ثابتی ضرب شوند، میانگین نیز با آن عدد جمع میشود یا در آن ضرب میشود.

میانه: داده ای است از مجموعه داده های موجود که نصف داده ها از آن بزرگتر و نصف دیگر از آن کوچکتر هستند.

+ میانه در مواجهه با جمع یا ضرب داده ها با عدد ثابت، همانند میانگین رفتار میکند.

مد: سومین شاخص مرکزی مد است که برای به دست آوردن آن کافی است تعداد داده ها را بشماریم. داده ای که بیشترین تعداد و تکرار را داشته باشد، به عنوان مد مجموعه شناخته میشود.

<< دسته دیگر از شاخص ها که به داده های آماری مرتبط هستند، شاخص های پراکنده هستند که کاربرد خاصی در این دسته از سوالات ندارند ولی اشاره کوتاهی به آنها میکنیم.

- شاخص های پراکندگی میزان پراکندگی یا میزان اختلاف بین داده ها و یا تفسیر داده ها را در جامعه آماری یا نشان میدهند. دامنه تغییرات، واریانس، انحراف معیار از جمله شاخص های پراکندگی هستند.

- آنالیز ترکیبی

اصول شمارش عبارت است از روش های شمارش و تعیین تعداد حالات ممکن، بدون شمارش هر یک از حالات. از جمله این اصول میتوان به اصل ضرب و اصل جمع اشاره کرد که در ادامه به تعریف آنها میپردازیم

- اصل جمع: اگر کاری را بتوان به دو روش انجام داد بطوریکه روش اول به n طریق و روش دوم به m طریق قابل انجام باشد، و این دو روش مستقل از همدیگر و غیرهمزمان باشند، برای انجام کار مورد نظر، $m + n$ روش وجود دارد. تشخیص این اصل در سوالات با استفاده از واژه «یا» میباشد: «انجام این کار یا آن کار».

- اصل ضرب: اگر کاری در طی دو مرحله انجام شود که مرحله اول به n روش و مرحله دوم به m روش قابل انجام باشد (این دو مرحله همزمان هستند)، آنگاه آن کار را میتوان به $m \times n$ روش انجام داد. تشخیص این اصل در سوالات با استفاده از واژه «و» میباشد: «انجام این کار و آن کار».

- جایگشت: به تعداد حالت های قرار گرفتن n شی در کنار هم، جایگشت n شی گفته میشود. در حالت عادی که ترتیب قرارگیری مهم است، تعداد حالت های ممکن برای جایگشت n شی متمایز برابر $n!$ میباشد.

* جایگشت حالت های مختلفی دارد که به صورت خلاصه + نکات داریم:

حالت	رابطه	حالت	رابطه
k شی معین از n شی متمایز کنار هم <u>باشند</u>	$(k)! \times (n - k + 1)!$	k شی معین از n شی متمایز کنار هم <u>نیاشند</u>	$(n - k)! \times (n - k + 1)!$
قراردهی یک در میان اعضای دو دسته متمایز دارای n شی متمایز	$n! \times n! \times 2$	قرار دهی یک در میان اعضای دو دسته متمایز دارای n و $n+1$ شی متمایز	$n! \times (n + 1)!$
قرار دادن n شی متمایز به صورت دایره وار (میز گرد)	$(n - 1)!$	جایگشت n شی که شامل k نوع باشد	$\frac{n!}{n_1! * n_2! * \dots * n_k!}$
جایگشت r تایی از n شی (ترتیب)	$P(n, r) = \frac{n!}{(n - r)!}$	جایگشت r تایی از n شی که در آن ترتیب مهم نباشد (ترکیب)	$C(n, r) = \frac{n!}{r! \times (n - r)!}$
جایگشت r تایی از n شی که k شی خاص در همه آنها موجود باشد	$P(r, k) \times P(n - k, r - k)$	جایگشت r تایی از n شی که فاقد k شی خاص باشند	$P(n - k, r)$

- ترکیب: انتخاب r شی از میان n شی متمایز که ترتیب چیده شدن در آن مهم نیست:

- ترتیب: انتخاب r شی از میان n شی متمایز که ترتیب قرار گرفتن در آن ها اهمیت دارد:

$$C(n, r) = \binom{n}{r} = \frac{n!}{r!(n-r)!}$$

$$P(n, r) = \frac{n!}{(n-r)!}$$

- بخش پذیری: اگر a و b دو عدد صحیح باشند، میگوییم a بر b بخش پذیر (قابل قسمت) است، به شرطی که عددی صحیح مانند c وجود داشته باشد که $a = bc$:
- + بخش پذیر بر ۲: یکانش رقم زوج باشد
- + بخش پذیر بر ۳: مجموع ارقامش بر ۳ بخش پذیر باشد
- + بخش پذیر بر ۴: دو رقم آخر صفر (۰۰) باشد یا دو رقم آخر بر ۴ بخش پذیر باشد.
- + بخش پذیر بر ۵: رقم یکانش صفر یا ۵ باشد.
- + بخش پذیر بر ۶: هم بر ۲ و هم بر ۳ بخش پذیر باشد.
- + بخش پذیر بر ۷: رقم یکان را از عدد جدا کرده و ۲ برابر آنرا از عدد مانده کم کنیم، حاصل بر ۷ بخش پذیر باشد.
- + بخش پذیر بر ۹: مجموع ارقامش بر ۹ بخش پذیر باشد.

بخش چهارم: هوش بصری (هندسی)

بخش بصری سوالات هوش آزمون های استخدامی، نسبت به سایر بخش های این سوالات، از اعتبار، فراوانی و سختی نسبتاً بالایی برخوردار هستند. تنوع طراحی در این دسته از سوالات نیز بالا میباشد و دست طراح برای بازی با ذهن داوطلب باز تر از سایر قسمت ها است.

- مروری بر اشکال (دو بعدی - سه بعدی)

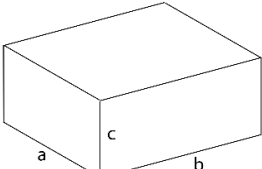
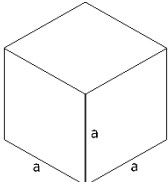
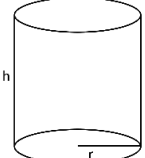
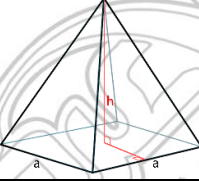
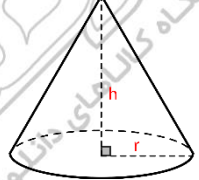
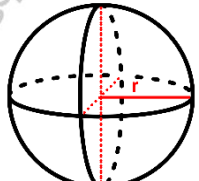
در این بخش به مرور انواع اشکال هندسی و ویژگی های پرکاربرد و مهم آنها میپردازیم
<< اشکال دو بعدی:

دایره: یک منحنی بسته است و شامل نقاطی است که فاصله آنها از یک نقطه معین و ثابت، مقداری ثابت میباشد. به آن نقطه ثابت مرکز و به فاصله ای که مقدار ثابت بین مرکز تا نقطه ها است، شعاع دایره گفته میشود.
مساحت دایره ای با شعاع r از رابطه $S = \pi r^2$ و محیط آن از رابطه $P = 2\pi r$ به دست می آید.
مثلاً: یک سه ضلعی مسطح بسته که تمامی اضلاع آن خط راست میباشند. محیط آن برابر مجموع اندازه تمامی اضلاع بوده و مساحت آن برابر نصف حاصلضرب قاعده در ارتفاع نظیر آن میباشد. مجموع زوایای داخلی تمامی مثلث ها همواره برابر 180° درجه میباشد. بر اساس اندازه زاویه های مثلث میتوان آن را به سه دسته زیر تقسیم بندی کرد:
چهار ضلعی ها:

- دوزنقه: چهارضلعی که فقط دو ضلع آن موازی باشد، دوزنقه نامیده میشود. مساحت آن برابر نصف حاصل ضرب ارتفاع در مجموع دو قاعده میباشد. از انواع خاص دوزنقه میتوان به دوزنقه متساوی الساقین و دوزنقه قائم الزاویه اشاره کرد.
- متوازی الاضلاع: چهارضلعی که در آن اضلاع روبرو موازی و برابر همدیگر باشند. در این چهارضلعی زاویه های مقابل به هم برابر هم بوده و زاویه های مجاور، مکمل یکدیگر میباشند.
- مستطیل: نوع خاصی از متوازی الاضلاع که در آن تمامی زوایا برابر 90° درجه میباشند.

- مربع: نوعی از انواع متوازی الاضلاع که در آن تمامی زوایا برابر ۹۰ درجه بوده و اندازه تمامی اضلاع یکسان میباشد.
- لوزی: نوعی متوازی الاضلاع که در آن اندازه تمامی اضلاع یکسان میباشد اما زوایای آن حتما یکسان نیستند.
- * مربع نوعی مستطیل است که اضلاع آن مساوی است و نوعی لوزی است که زوایای آن ۹۰ درجه است

<< اشکال سه بعدی

فرمول ها	شکل	ویژگی ها	حجم
مساحت کل: $S = 2(ab + b + ac)$ مساحت جانبی: $S_s = 2(ac + bc)$ حجم: $V = a \times b \times c$		* دارای ۶ وجه مستطیل شکل * دارای ۸ راس و ۱۲ یال	مکعب مستطیل
مساحت کل: $S = 6a^2$ مساحت جانبی: $S_s = 4a^2$ حجم: $V = a^3$		* دارای ۶ وجه مربعی * دارای ۸ راس و ۱۲ یال	مکعب مربع
مساحت کل: $S = 2\pi r^2 + 2\pi rh$ مساحت جانبی: $S_s = 2\pi rh$ حجم: $V = h\pi r^2$		* دارای دو قاعده دایره شکل به قطر r * بدون یال و راس * دارای وجه جانبی یکپارچه مستطیلی	استوانه
مساحت کل: مساحت قاعده + مساحت جانبی حجم: $V = \frac{1}{3}Ah$		* با قاعده n ضلعی منتظم * دارای وجه ها جانبی مثلثی شکل * دارای n+1 راس و 2n یال	هرم
مساحت کل: $S = \pi r(r + \sqrt{r^2 + h^2})$ حجم: $V = \frac{1}{3}\pi r^2 h$		* دارای قاعده دایره شکل * دارای یک راس و یک یال (محل اتصال قاعده به سطح جانبی)	مخروط
مساحت کل: $S = 4\pi r^2$ حجم: $V = \frac{4}{3}\pi r^3$		* دارای قاعده نبوده و محصور بین چند وجه نمیشد	کره

- روابط میان شکل ها (نسبت بین شکل ها - ترکیب شکل ها - شباهت شکل ها - الگو های تصویری)

<< برای پیدا کردن الگویی که میان شکل ها نهفته است میتوان مشابه الگو های عددی اقدام میکنیم. باید دید که میان هر تصویر با تصویر بعدی خود چه تفاوت هایی وجود دارد، آیا این تفاوت ها در سایر شکل ها نیز وجود دارد؟ آیا این تفاوت ها از الگوی خاصی پیروی میکنند؟ این تفاوت ها میتوانند شامل مواردی همچون اندازه، دوران و چرخش، قرینه شدن، تعداد و ... باشد:

نوع تغییر	توضیح	توصیف تصویری
اندازه شکل	در هر الگو امکان دارد که اندازه کل یا بخشی از شکل در هر مرتبه دچار تغییر شود. در مثال مقابل دایره در شکل راست نسبت به شکل میانی کوچکتر شده و در شکل چپ بزرگتر.	
دوران شکل	در هر الگو، شکل میتواند حول مرکز شکل یا یک نقطه خاص دوران یافته به شکل دیگر تبدیل شود. در برخی از مسائل ممکن است دو نوع دوران داشته باشیم که برای هر قسمتی از شکل متفاوت باشد. در مثال مقابل شکل راست نسبت به شکل میانی ۹۰ درجه ساعتگرد و در شکل چپ ۹۰ درجه پادساعتگرد دوران داشته است.	
قرینه شکل	در برخی از الگوهای تصویری، امکان دارد که تصویر حول محورهای افقی یا عمودی و در برخی موارد محورهای اریب، قرینه شده باشد. در مثال مقابل شکل سمت راست قرینه شکل میانی نسبت به محور عمودی و شکل سمت چپ قرینه آن نسبت به محور اریب میباشد.	
تعداد شکل	در الگوی تصویری یکی از مواردی که میتواند تغییر کند تعداد شکل ها باشد. به عنوان مثال خطوط داخل یک شکل، اضلاع یک چندضلعی و ... این تغییرات میتواند به صورت افزایشی یا کاهش و یا نوسانی باشد. در مثال مقابل در شکل راست یک عدد از خطوط داخل شکل نسبت به شکل میانی کم شده و در شکل چپ این تعداد یک عدد افزایش داشته است.	

در دسته دیگری از سوالات چندین تصویر داده میشود که یکی از آنها متفاوت است و فرد باید تصویری که با سایر آنها متفاوت است را انتخاب نماید. در این دسته از سوالات اکثرا شکل ها با دوران مطابق هم میشوند به غیر از یک گزینه که آن گزینه به احتمال زیاد به جای دوران، قرینه سایر شکل ها میباشد.

- چرخش چرخ دنده ها

در برخی از مسائل با چرخش چرخ دنده ها و یا تسمه ها مواجه هستیم. برای حل یان دسته از مسائل از دوران و قواعد فیزیکی آنها کمک میگیریم. دو چرخ دنده یا دو دیسک که با تسمه به هم وصل شده اند بر روی هم دو نوع تاثیر میگذارند:

+ تاثیر مستقیم: در این حالت چرخش چرخ یا دیسک در یک جهت منجر به چرخش دیسک یا چرخ دیگر در همان جهت میشود در این حالت چرخ دنده ها یا داخل هم هستند یا تسمه اتصال دیسک ها، خود را قطع نمیکند.

+ تاثیر معکوس: در حالت تاثیر معکوس، چرخش چرخ یا دیسک در یک جهت منجر به چرخش دیسک یا چرخ دیگر در خلاف جهت دیسک اولیه میشود. در این حالت چرخ دنده ها بیرون هم هستند و تسمه اتصال دیسک ها، خود را قطع میکند.

- حجم های گسترده فضایی

در اینگونه سوالات، معمولا گسترده ایی از یک حجم سه بعدی داده میشود و چهار شکل سه بعدی به عنوان پاسخ پیشنهاد میگردد، که یکی از آنها مربوط به شکل گسترده میباشد و فرد باید آنرا مشخص کند.

معمولا در این دسته از سوالات ترتیب به همین شکل است، ولی در برخی موارد ممکن است شکل سه بعدی به عنوان سوال و چهار گسترده آن به عنوان پاسخ داده شوند.

- شمارش حجم های فضایی

این دسته از سوالات بدین صورت است که حجمی متشکل از چند مکعب داده میشود و از فرد خواسته میشود که تعداد مکعب های تشکیل دهنده شکل را مشخص کند.

شکل های داده شده به دو دسته تقسیم میشوند:

+ اشکالی که میتوان با شمارش ابعاد شکل اصلی و کم کردن یا اضافه کردن چند مکعب به آن، پاسخ صحیح را مشخص نمود
 + اشکالی که ابعاد شکل اصلی در آنها مشخص نیست. برای شمارش مکعب های اینگونه شکل ها ابتدا آن را طبقه بندی کرده و سپس مکعب های هر طبقه را جداگانه شمارش میکنیم که مجموع آنها، همان تعداد مکعب های تشکیل دهنده شکل اصلی خواهد بود.



❖ فصل دوم: تعلیم و تربیت اسلامی

◀ بخش اول: مهارت معلمی استاد محسن قرائتی فقط ۳ فصل اول (خلاصه +

نکات)

فصل اول

ارزش و امتیاز کار معلمی

با قاطعیت میتوان گفت که معلمی فراتر از همه کارها و سرآمد همه شغلهاست. معلم نیاز به حقوق و تأمین نیازهای زندگی دارد؛ اما هیچگاه به کار مهمش از درجه مادیات نمینگرد. در این فصل، برخی از امتیازات و ارزشهای معلمی را مرور میکنیم.

۱. معلمی شغل نیست؛ عبادت است

بعضی از کارها از چنان قداستی برخوردارند که وصف شغل برای آنها سبک می‌نماید معلمی هم یک کار مقدس محسوب می‌شود یا عبادت چند منظوره است و همچنین کار پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است
معلمی انتقال علم و تجربه، انقاذ غریق و کلید عزت بصیرت و مصونیت است چنانچه که در سوره الرحمن می‌خوانیم «الرحمن علم القرآن» خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود.

۱۳ آیه در قرآن به سوال‌های مردم از پیامبر اکرم اختصاص یافته که با کلمه «یستلونک» همراه است این نشان می‌دهد که پیامبر معلم مردم بوده است.

"معلم" واژه ای است که بار معنایی خاصی دارد و نباید به آن نگاه عادی نمود. این واژه ، همانند برخی از واژه های مقدس، حامل معانی بلندی است. تقلیل مفهوم معلمی به یک شغل ساده، کوتاه بینی است.

۲. معلمی یک انتخاب صحیح است

هر انسانی یک شغل را انتخاب میکند؛ ولی مهم آن است که در آن شاغل با چه چیزی سروکار دارد و تأثیر کارش تا کجاست. تعلیم و تربیت مبارکترین کاری است که خداوند آن را بر دوش انبیا و اوصایا گذاشته است. در زمان طاغوت، به سراغ برخی از مبلغین رفتند و با پرداخت مبالغی آنان را جذب نظام شاهنشاهی کردند. آنها از زیر بار شغل شریف معلمی ، شانه خالی کردند و با حضور در دستگاه فاساد ، به دنیا روی آوردند. در آن روز، آیت الله العظمای گلپایگانی فرمود: "اگر طلبه ای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید: رفتم؛ بلکه بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان مرا از حوزه بیرون انداخت."

۳. معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیع دارد:

اهل بیت از مقام معلمی و ارزش آن تجلیل فراوانی کرده‌اند در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیری چون معلم مربی یا پدر یاد شده است. در خصوص جایگاه ممتاز معلمان و ارزش آنان نزد معصومین روایت فراوانی وجود دارد از جمله این

فرموده رسول خدا فرمودند: "بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد". و فرمودند "راهنمایی کننده به راه خیر مانند انجام دهنده آن است"

امام باقر فرمود «تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار می‌کنند»

۴. تربیت کار خداست

در قرآن کریم بعد از نام مبارک الله بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته "رب" است ناگفته پیداست ربوبیت زمانی کامل است که بر اساس علم، حکمت، مصلحت، رحمت باشد که خداوند همه را دارد.

معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل می‌کند، زمانی که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند روح امید را در او بدمد و هنگامی که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند او را هشدار دهد. امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق که از خداوند می‌خواهد: «الهی انطنی بالهدی و الهمنی التوی، خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن. انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند.

اتصال معلم و استاد و مربی به خداوند متعال نقش مهمی در انجام مسئولیت آنها -که همانا ارشاد و هدایت مردم است- دارد؛ لذا از آدم دینی به عالم ربانی تعبیر می‌شود یعنی عالمی که سر و کارش با پروردگار است در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعلیم می‌دهد از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد به دیگران منتقل می‌کند.

امام سجاد علیه السلام در دعاها مکارم الاخلاق از خداوند می‌خواهد «خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن» انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند

۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را میکند

ماشینی که سوارش میشویم، نتیجه کار پنج گروه از مهندسان است:

مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند؛

مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند؛

مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند؛

مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین هستند؛

مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.

اما یک معلم باید به تنهایی، کار این پنج گروه را روی انسانها انجام دهد:

استعدادهای شاگردش را کشف کند؛ شاگرد را از انحرافهایی که به آن گرفتار شده است، خارج کند؛ با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه مند کند؛ - با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را بسازد؛ با سعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل کند و جامعه را تشکیل دهد.

۶. معلم با گران‌ترین گوهر هستی سر و کار دارد:

موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند جامدات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها. اگر انسان درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر منحرف گردد از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود. غفلت انواعی دارد:

- عده‌ای از خدا غافل‌اند (نسوا الله)

- عده‌ای از قیامت غافلند (نسوان یوم الحساب)

- عده‌ای از وظیفه خود غافلند (کذلک انتک آیاتنا فنسیتها)

- عده‌ای از محرومان غافلند (ولم نک نطعم المسکین)

- عده‌ای از توانمندی‌های خود غافلند و نمی‌دانند که چه موجودی هستند

- عده‌ای از ارزش عمر خود غافلند به عمر خود را صرف کارهای لغو می‌کنند

معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود قرآن کریم درباره بعضی از انسان‌ها می‌فرماید: «آنها مثل حیوانات هستیم بلکه پست‌تر» پس دلیل انحراف آنها را اینگونه بیان می‌کند «اولئک هم الغافلون»

۷. کار روی فکر افراد ماندگار است:

یکی از نشانه‌های برتری اعمال ماندگاری آثار آن است چنانچه که حضرت ابراهیم از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد «اجعل لی لسان صدق فی الآخِرین» «و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده» و خداوند نیز دعای او را اینگونه پاسخ داد: «وَجَعَلَهَا کَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» «آن کلمه توحید را در میان نسلش کلمه ماندگار قرارداد باشد که آنان بازگردند»

معلم باید بداند که ماندگارترین کار تعلیم و تربیت است آن هم بر روی نسل جوان که تاثیر پذیری و ماندگاری آن بیشتر است

۸. کلاس داری را ساده ننگریم

چه بسا برخی از افراد کلاس‌داری را یک کار عادی تلقی کنند به ویژه اگر مخاطبان از سن پایین‌تر باشند در حالی که هم کلاس داری مهم است و هم مخاطبانی که از نسل نو هستند

آیت الله عظمی گلپایگانی یکی از مراجع بزرگ تقلید وقتی راجع به کلاس مرا ببینند تابلو و تخته سیاهی را به منزل ایشان بردم و برای ایشان نمونه‌هایی از درسی که برای نسل نو می‌گفتم ارائه دادم سپس به ایشان گفتم «من امکان فقیه شدن

دارم ولی فعلاً معلم شده‌ام « ایشان فرمود «این راهی که شما پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان راضی است انشالله»

۹. معلم ربانی هادی و ناجی بشر است:

قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی برشمرده است که به آن گرفتار شده بودند: "وَيَصْعُ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ" و از آنان بار گران و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی‌دارد. علم حقیقی نگاه انسانی را توحیدی می‌کند در حدیث می‌خوانیم «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ» ثمره علم شناخت خداوند است. و همچنین: "ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ" ثمره علم، بندگی خداوند است.

مشکل بزرگ امروز جامعه بشری جدا شدن «اقرا» از «اسم ربک» جدا شدن «یعلمهم» از «یزکیهم» جدا شدن مادیات از معنویات جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام جدا شدن علم از دین است معلم ربانی هادی و ناجی است ورزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان است.

۱۰. کار خود را مقدس بدانیم

علم را مقدس بدانیم زیرا خداوند هم به قلم قسم خورده است هم به آنچه نوشته می‌شود: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ. اسلام برای آموزش هیچ محدودیتی قائل نیست:

-نه محدودیت زمانی: از گهواره تا گور علم بیاموزیم

-نه محدودیت مکانی: اگر علم در ثریا باشد مردانی از فارس به آن می‌رسند

-نه محدودیت جغرافیایی: دانش را بجوید گرچه در چین باشد

-نه محدودیت مقداری: چرا از هر گروهی از مردم دسته کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند

-نه محدودیت جانی: عبارت «لو يعلم الناس ما فی طلب الهام لطلبوه ولو بسفک المہج و خوض اللجج» اگر مردم ارزش علم را می‌دانستند به سراغ آن می‌رفتند گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد

-نه محدودیت انسانی: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند و دفن کند

-نه محدودیت مکتبی این سخن پیامبر اسلام که «بهای آزادی کسانی که در جنگ اسیر می‌شدن آموزش خواندن و نوشتن به ۱۰ نفر از مسلمانان قرار دارد» نشان دهنده نه به محدودیت مکتبی می‌باشد

خداوند با این روش به انسان اولیه آموخت که چگونه مرده خود را دفن کند: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند و دفن کند

۱۱. تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می‌شود:

حیات اقسام مختلفی دارد گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیات که با دعوت انبیا فراهم می‌آید حیات حیوانی نیست چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد بلکه مقصود حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه‌هاست.

آیه «قدمت لحياتی» که مجرمین در قیامت می‌گویند ای کاش برای زندگی امروز چیزی از پیش فرستاده بودم نشان دهنده حیات ابدی می‌باشد

اگر استاد رسالت خود را رسالت الهی نبوی و علوی بداند و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند واجد نفس مسیحایی می‌شود در این صورت کار معلم کار انبیا خواهد بود و گرنه انتقال علم بدون تزکیه مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به جای دوزندگی سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

آیه «الرحمن علم القرآن خلق الانسان» خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید، اول راه هدایت سپس آفرینش انسان. این تعبیر بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است و نشان می‌دهد که علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد

۱۲. ارزش علم بیش از هر چیزی است

خداوند اونجا که سخن از آفرینش انسان است خود را کریم معرفی می‌کند **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ** «ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور کرد و فریب داد؟ همون که تو را آفرید و استوار ساخت و متعادل کرد» ولی انجا که سخن از علم و فرهنگ است صفت «اکرم» را به کار می‌برد و می‌فرماید «اقرا و ربك الاکرم»؛ «بخوان که پروردگار تو از همه گرامی‌تر است»

در سوره الرحمن نیز ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند سپس آفرینش انسان: **«الرحمن * علم القرآن * خلق الانسان»** خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید» آری باید قبل از ماشین راه ساخته شود، اول راه هدایت "علم القرآن" سپس آفرینش انسان. این تعبیر بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است و نشان می‌دهد که علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد

فصل دوم**صفات معلم**

معلم باید برای ویژگی‌ها و خصوصیات باشد که او را در عرصه تعلیم و تربیت موفق کند هر شخصی می‌تواند با تلاش و استمداد از حضرت حق ویژگی‌های مثبت خود را ارتقا دهد و اثرگذاری خویش را تقویت نماید در این فصل برخی از ویژگی‌ها و صفات معلم را مرور می‌کنیم.

۱. سوز و حرص داشته باشد

اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه از درون سوز نداشته باشد مشتعل نباشد محال است بتواند جامعه‌ای را مشتعل سازد. خداوند تعالی خطاب به پیامبرش می‌فرماید «شاید خویشتن را هلاک کنی که چرا آنها ایمان نمی‌آورند» اشاره به صفاتی

است که می‌تواند در تعلیم و تربیت موثر باشد که همان داشتن سوز و حرص به اندازه است، معلم باید هر دانش آموز یا دانشجو را فرزند خود بداند در تعلیم و تربیت او حریص باشد و برای سستی و بی‌توجهی و بی‌حالی او غصه بخورد. اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه از درون سوز نداشته باشد و مشتعل نباشد محال است بتواند جامعه را مشتعل سازد. یکی از صفات برجسته انبیا الهی سوز و گداز آنها برای هدایت و سعادت انسان‌ها بود. داشتن سوز یک کمال است.

۲. سعه صدر داشته باشد

استاد و مربی و معلم باید دارای روح بزرگ باشد که تحمل بی‌مهری‌ها، جسارت‌ها و سرسختی دیگران را داشته باشد. برخورد نرم با افراد نااهل و داشتن سعه صدر در مقابل آنها برای همه لازم است. سعه صدر برای هر مسئولی لازم است حضرت علی می‌فرماید ابزار ریاست سعه صدر است «آلَةُ الرَّأْسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ»

۳. بی‌تکلف باشد

تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و تصنع انجام دهد در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد مقید به پوشش پاس مدرسه خاص شاگردان ویژه و باشد و در یک کلام برای خود شأنیتی ویژه قائل شود. پیامبر اسلام به مردم می‌فرمود: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ، مَنْ أَهْلُ تَكَلُّفٍ نِيسْتَم». نشانه بی‌تکلفی سلام کردن به همه افراد، رفت و آمد با طبقه محروم، کمک کردن به همسر، توقع نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل و اقرار به برتری دیگران می‌باشد. معلم و مبلغ نباید با خواسته‌های غیر معقول و خارج از عرف مردم را دچار زحمت کنند همچنین هنگام خوردن غذا یا خوابیدن یا دیگر امور آداب و رسوم مردم را به هم نریزد و با ایشان همراهی کند

۴. مخلص باشد

ما باید هم در تحصیل و هم در تعلیم و تبلیغ نیت خالصانه داشته باشیم. امام صادق می‌فرماید «کسی که طلب علم کند تا با ان به علما مباهات کند یا با صغیهان مجادله نماید یا اینکه مردم را متوجه خودش کند پس منزلگاهش را آتش قرار داده است»

معنای اخلاص آن است که از اول نیت اجر و پاداش نکنیم همانطور که قرآن در وصف اهل بیت می‌فرماید: ان هنگام که مسکین و یتیم و اسیر به در خانه‌شان آمد به آنها غذای افطار خود را به آنها دادند گفتند "لا نرید منکم جزاء ولا شکورا" ما از شما هیچ پاداش و تشکری نمی‌خواهیم.

ما را به عمل خالصانه تشویق میکند؛ چراکه خداوند در قبال اخلاصشان، بهشت برین با انواع نعمتها را به آنان وعده داده و فرموده است: إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا این، جزای شماست و کار شما مورد تشکر خداست. در خصوص اخلاص به سه نکته باید توجه کرد:

الف- اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد گرفتار می‌شود. ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند و از گروهی انتقاد می‌کند که به او کمک نمی‌کنند

ب- اخلاص، دانشگاهی است که ۴۰ روزه فارغ التحصیل بیرون می‌دهد. در روایات می‌خوانیم: «هر کس ۴۰ روز کارهای خود را خالصانه قرار دهد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌کند»

ج- اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدانیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست به آرامش و اخلاص می‌رسیم اگر بدانیم روزی به داشتن ثروت نیست بلکه روزی حقیقی در کامیابی است اخلاص می‌رسیم. چه بسیارند افرادی که برای دنیا دائماً تلاش می‌کنند جمعی به آن نمی‌رسد و گروهی هم که به دنیا می‌رسد از آن کامیاب نمی‌شود به تعبیر قرآن به جایی می‌رسند که با سوز دل می‌گویند «مال مرا بی‌نیاز نکرده و قدرتم محو شد»

۵. خود را فارغ التحصیل ندانند

در اسلام فارغ التحصیل نداریم زیرا خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید «وقل رب زدنی علماً» «بگو پروردگار علم مرا زیاد کند» این آیه اشاره می‌کند که همه باید در فکر تحصیل علم باشیم و خود را فارغ التحصیل ندانند. امام صادق فرمود «علوم ما در هر شب و روز زیاد می‌شود و اگر اضافه نشود ذخیره‌های علمی ما از بین می‌رود» در حدیث می‌خوانیم «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند»

۶. توفیقاتش را از خدا بداند

باید مراقب بود که سرگرم شدن به کتاب و درس و مقاله و پژوهش ما را از خدا غافل نکند. تصور نکنیم که رشد علمی به توفیقات ما تنها به خاطر مطالعه و تحصیل و تدریس است زیرا این تصور باعث ایجاد غرور می‌شود وقتی به قارون گفتند «عظمت‌هایی که خدا به تو داده است به فقرا کمک کن» گفت «این ثروت را به خاطر علمی که مخصوص من است به دست آوردم» و اینگونه مغرورانه جواب داد. بعضی علوم را می‌توان با تعلیم، تحصیل، تدریس، مطالعه و گفتگو کسب کرد اما تمام علوم این‌ها نیست. گاهی بعضی علوم و ادراکات ویژه به افراد ویژه داده می‌شود قرآن کریم درباره حضرت یوسف می‌فرماید: "وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ" «خدا تو را انتخاب کرد و علم ویژه به تو داد». این عنایت تنها مخصوص علم نیست بلکه گاهی بصیرت، حکمت و نور باطنی ویژه نیز به برخی افراد خاص داده می‌شود که بر اثر آن با نگاه ساده می‌نگرد ولی مسائل عمیقی را درک می‌کند کربلایی کاظم ساروقی که در یک لحظه حافظ کل قرآن شد نمونه‌ای از این افراد است.

از این رو معلمان و استادان محترم نباید به خاطر مشغله تحصیل و تحقیق از این منبع نورانی غافل شوند به تصریح قرآن کریم قلب پاک و با تقوا، آئینه علوم و حقایق می‌شود اَتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ. آری، قلب انسان همچون آینه ای است که اگر غبار آن را برطرف کنیم، نور خدا در آن جلوه می‌کند.

۷. با شهادت باشد

معلم و استاد باید شهادت داشته باشند اگر چیزی را نمی‌دانند بگویند نمی‌دانند و خجالت نکشند، به برتری کسانی که باسوادتر هستند اقرار کنند و اگر چیزی را از یاد بردند بگویند فراموش کردم.

معلم باید در مواردی که اشتباه کرده است از حرف خود برگردد و زیردستان و شاگردان خود عذرخواهی کند. گاهی باید نماز را ترک کند مثلاً اگر در نماز متوجه شد وضو نداشته یا وضویش باطل شده است با کمال شهادت اقرار کند که من وضو ندارم و نماز را رها کند

قرآن در این باره می‌فرماید: گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند بر آنچه نکرده‌اند ستایش شوند مپندار که آنها از عذاب الهی رسته‌اند و برای آنها عذابی دردناک است.

استاد باید با شهادت بر موضع حق بایستد و بر آن پافشاری کند و نگذارد که تطمیع و تهدید و جوسازیها، او را از مسیر حق جدا سازند. مربیان بشر یعنی انبیا برای دفاع از حق به استقبال همه رقم خطر می‌رفتند:

-گاهی شهید می‌شدند: یَقْتُلُونَ النَّبِيَّ

-گاهی تحقیر می‌شدند: إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

-گاهی به تبعید تهدید می‌شدند: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ

ولی آنچه برای آنان اهمیت داشت مقاومت بر راه مستقیم بود

۸. اعتماد به نفس داشته باشد

ما باید اهل منطق باشیم به خدا اعتماد کنیم و در هیچ حادثه خود را نیازیم. برخی از افراد بسیاری از سنت‌های صحیح و منطقی خود را تحقیر می‌کنند و بسیاری از آداب و رسوم بی‌منطق دیگران را در بست می‌پذیرند.

منشا اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل است.

منشا اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل است. زینب کبری علیه السلام با اعتماد به نفس بعد از شهادت امام حسین در حالی که به اسارت رفته بود سخنرانی کرد و به یزید گفت: إِنِّي لَأَسْتَصْغِرُ قَدْرَكَ «من قدر تو را کوچک می‌پندارم. آن حضرت با آن سخنرانی رژیم بنی امیه را در مذاب سوزان سخن خود از بین برد.» در زمان ما بهترین نمونه و مصداق ایمان به خدا و اعتماد به راه خود وجود مبارک امام خمینی بود.

۹. مردمی باشد

معلم و مربی باید در جامعه حضور داشته باشد. پیامبر اکرم همواره در میان مردم بود تا جایی که کفار می‌گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده است تا همواره او بیم دهنده باشد و ادعای او را تایید کند؟ رهبر نباید از جامعه جدا باشد و زندگی عادی و حضور در میان مردم برای او کمال است.

در بعضی آیات واژه «رسول» با «فیهم» و «منهم» آمده است یعنی رسولی که از مردم و بین آنهاست و با آنها زندگی می‌کند. در بعضی آیات نیز عبارت «والذین معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می‌رساند بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است

معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند. در اولین آیه سوره مجادله می‌خوانیم؛ «قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها» این آیه دلالت دارد که زن عادی می‌تواند به شخص پیامبر دسترسی پیدا کند و مشکلاتی را که با همسرش داشت مطرح نماید این نشانه مردمی بودن آن حضرت است

۱۰. صراحت لهجه داشته باشد

از ویژگی های خوب یک معلم، داشتن کلام رسا و صراحت لهجه است. اسلام جز در موارد خاصی -که مربوط به آبروی افراد یا مسائل خانوادگی یا جنسی است- شفاف بودن سخن و کلام را رعایت کرده است و استاد و معلم نیز باید مراعات کنند. در قرآن کریم تنها چند آیه متشابه وجود دارد که فهم آنها به دقت و تحقیق و استمداد از خدا تعالی و اشارات معصومین نیازمند است؛ ولی ظاهر اکثر آیات را افراد معمولی درک می‌کنند. قرآن خودش را نور آشکار و مبین دانسته است. یکی از خصوصیات پیامبر اکرم نیز این بود که کلامش روشن بود به طوری که هر شنونده‌ای آن را می‌فهمید.

صراحت، شفافیت، صلابت، شهامت و پرهیز از ملاحظات قومی و نسبی در بیان حقایق و نفی باطل و مبارزه با آن نشانه ایمان راسخ است. انبیای الهی در تبلیغ دیان صراحت لهجه داشتند. پیامبر اکرم هم با صراحت خانواده اش را انداز میکرد: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ. و در برابر کفار موضع خود را با صراحت اعلام مینمود:

نمونه دیگر صراحت در بیان قرآن کریم در رد ادعاهای دروغین و خیال پردازی‌های فراوان بنی اسرائیل است چرا که به صورت علنی بافته‌های خیالی، و موهومات فکری آنها را رد کرده است.

۱۱. منصف باشد

از اموری که عقل و دین و وجدان به آن سفارش کرده‌اند و رابطه استاد و شاگرد را نیز عمیق می‌کند رعایت انصاف است. انصاف در تدریس انتقال، تشویق، توبیخ و برخورد با شاگرد از رموز موفقیت است. رعایت انصاف در رابطه استاد و شاگرد موجب می‌شود که اثر پذیری در طرف مقابل بیشتر شود اگر انسان بداند که استاد و مربی اش هیچگونه تعصب نابجا نسبت به خود یا طرف مقابل ندارد و فقط به دنبال حقیقت است به جای آنکه به فرد بنگرد به استدلال او می‌نگرد تا احسان را انتخاب کند. این باور در انسان ایجاد آرامش میکند.

رعایت انصاف در نقد افراد بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی اعتقاد داریم نقاط قوت او را هم بگوییم قرآن کریم با اینکه به برخی از یهودیان به خاطر رباخواری، تحریف تورات ترس از دشمن و ورفاه طلبی انتقادات متعددی دارد، اما بعضی از آنان را به خاطر امانت داری ستایش کرده و فرموده است: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» «بعضی از اهل کتاب تا به اون حد درست کارند که اگر مال بسیاری را به آنها امانت دهی آن را پس می‌دهند»

همچنین قرآن کریم غالباً با کلمه «منهم» از بعضی افراد انتقاد می‌کند نه همه آنها؛ و اگر از گروهی انتقاد دارد حساب خوبان را با کلمه «الا» جدا می‌کند. در مقابل نیز از گروهی تجلیل می‌کند همه اون‌ها را مشمول به تجلیل نمی‌داند مثلاً در مورد زنان پیامبر می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا» و اینگونه تفهیم می‌کند که همه زنان پیامبر محسن و نیکوکار نبودند.

۱۲. صمیمی و با محبت باشد

در خصوص ویژگی "مردمی بودن" نکاتی بیان شد؛ علاوه بر آن، داشتن ارتباط صمیمی با شاگرد، از صفات خوب معلم و از رموز موفقیت اوست. بین استاد و شاگرد نباید هیچ دغدغه، دلهره و وحشتی وجود داشته باشد. برخورد خشک و رسمی و احیاناً با خشونت، شاگرد را و مربی را گریزان می‌کند.

یکی از راه‌های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است. محبت، قویترین یا یکی از قویترین ابزارهای تربیتی است. خداوند متعال در خصوص پیامبرش میفرماید: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ. "همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجاند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رئوف و مهربان است."

خداوند این نام از نام‌های خویش «رئوف و رحیم» را بر هیچ یک از پیامبران جز پیامبر اسلام اطلاق نکرده است همچنین اون حضرت را با جمله «عزیز علیه ما عنتم» غمخوار امت معرفی کرده است به گونه‌ای که هرچه مردم را برنجاند پیامبر را می‌رنجاند و این بیانگر اوج محبت آن حضرت است که سبب جذب مردم می‌شد.

«درس معلم ار بود زمزمه محبتی» "جمله به مکتب آورد طفل گریز پای»

"جمله به مکتب آورد طفل گریز پای» نشان دهنده ویژگی صمیمی و با محبت بودن معلم است. امام صادق می‌فرمود «بهترین دوست من کسی است که عیب مرا به من بگوید» در حدیث دیگری می‌خوانیم با کسانی که با آنان دانش می‌آموزید نرمی کنید

۱۳. اهل هدایت و عمل باشد

معلمی کردن به رشد است. یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران هدایت بکند.

امیرالمومنین «ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است، همچنین در کلام دیگر فرمودند «میوه و ثمره علم با زیبایی عمل چیده می‌شود نه با زیبایی گفتار و سخن»

عمل نکردن به گفتار گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی‌اعتنایی که در صورت اخیر توبیخ دارد. عالم بی‌عمل به درخت بی‌ثمر، ابر بی باران، نهر بی آب، زنبور بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می‌کند تشبیه شده است. رسول اکرم در این باره فرمود: "علمی که به آن عمل نشود، مانند گنجی است که از آن انفاق و استفاده نشود؛ صاحبش در جمع آوریش خود را به زحمت انداخته است بدون آنکه بهره و نفعی از آن ببرد"

در این باره امام صادق نیز فرمودند: «کسی که کارهایش ترکیب کننده گفتارش نباشد، عالم نیست»

۱۴. آراسته باشد

انسان فطرتاً نظافت و پاکی را دوست دارد و اسلام نیز برای پاکی سفارش‌های بسیاری کرده است. البته اسلام پاکی و نظافت را مخصوص جسم نمی‌داند بلکه به پاکی فطرت، پاکی فکر، پاکی لقمه، پاکی نسل، پاکی دل و پاکی جامعه نیز توجه دارد. هم پاکی جسم و هم پاکی روح و جان مهم است.^۱

شرط قبول عبادات در اسلام طهارت است پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز برای عبادت سفارش شده است. کسانی که با تدریس و تبلیغ بنای اثرگذاری دارند باید به ظاهر خود برسند همچنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تاثیر تدریس می‌افزاید.

البته معنی پاکی و نظافت استفاده از لباس‌های گران قیمت با دوخت‌های استثنایی نیست، چون این رقم جاذبه‌ها در تمرکز شاگرد برای فهمیدن مطلب خلل وارد می‌کند. بنابراین پوشش استاد باید وظیف و تمیز باشد؛ اما خالی از هرگونه جلوه‌های زینتی که ذهن شاگرد را به خود مشغول کند

۱۵. اخلاق خوب داشته باشد

معلم بد اخلاق افراد را از دور خود پراکنده می‌کند، در قرآن می‌خوانیم: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». پیامبر اکرم اسوه اخلاق بودند تا جایی که خداوند متعال در میان صفات و ویژگی‌های آن حضرت بر خلق ایشان تاکید کرده و آن را عظیم خوانده است «و حقا که تو بر اخلاق بزرگی استواری»

عایشه درباره اخلاق پیامبر گفته است «کان خلق القرآن» اخلاق پیامبر، تجسم قرآن بود. این اخلاق نبوی بود که توانست در کنار کتاب الهی، انسان‌های بزرگی تربیت نماید انسان‌های مومن و خدایی تا امروز و علی رغم گذشت چند قرن هنوز شیفته آن اخلاق الهی هستند

گفتار معلم سازندگی و تربیت نمی‌آورد بلکه رفتار اوست که بر جان مخاطب اثر می‌گذارد لذا حرکات و رفتار معلم باید طوری باشد که شاگرد را تربیت کند و بسازد.

فراموش نکنیم که معلمین به همان اندازه که جایگاه والایی دارد مسئولیت و تکلیف سنگینی را نیز به دنبال می‌آورد. از اونجا که معلم سرمشق و الگوی متعلمین است باید مراقب حرکات و رفتار و گفتارش باشد

۱۶. متواضع باشد

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» «ای انسان هرگز در زمین با کبر و غرور را مرو که هر قدر پارا محکم به زمین بکوبی، نمی‌توانی آن را بشکافی و هرچه گردن برافرازی به بلندی کوه‌ها نخواهید رسید»

در سیره پیامبر می‌خوانیم که جلسات ایشان دایره وار بود. یعنی به گونه‌ای که در آن بالا و پایین مجلس معنا نداشت. گاهی یک نفر وارد می‌شد و پیامبر را نمی‌شناخت و افراد نگاه می‌کرد و سپس می‌پرسید: "ایکم رسول الله" کدام یک از شما

^۱ جهاد پاک کردن جامعه از افراد مفسد است و امر به معروف و نهی از منکر پاکی جامعه از خلافتی است.

پیامبرید؟ این سوال نشانگر آن است که پیامبر نه در محل نشستن نه در لباسی که می‌پوشد و نه در چهره هیچ نمادی که نشانه امتیاز باشد نداشت و متواضعانه در جمع اصحاب می‌نشست.

۱۷. سابقه نیک داشته باشد

در موفقیت هر کاری از جمله تبلیغ و تدریس و تربیت داشتن سابقه نیک و محبوبیت نقش مهمی دارد. چه بسا کلامی از زبان یک فرد خوش نام موثر باشد اما همان کلام از زبان فردی ناشناس نتواند اثر بگذارد.

در صورتی که معلم و استاد شناخته شده باشند کمتر مورد انکار قرار می‌گیرند "أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ" «یا اینکه پیامبرشان را نشناختند و از سوابق او آگاه نیستند پس برای همین او را انکار می‌کنند؟»

شاید دلیل آنکه قرآن دستور می‌دهد افرادی که برای تحصیل هجرت کرده‌اند پس از کسب تفقه منطقه به منطقه قبلی خود مراجعت کنند، این باشد که مردم منطقه‌شان از آنها شناخت دارند و می‌دانم که آنها از چه خانواده‌ای هستند حالات پس از هجرت و تفقه به سوی آنها برگشته‌اند برای انذار و هشدار و نجات آنهاست نه اهداف سیاسی و اقتصادی و امثال آن.

۱۸. به پست و مقام دل بسته نباشد

ما باید در همه مدیریت‌ها از جمله مدیریت آموزشی و فرهنگی -تبلیغی آمادگی جابجا شدن را داشته باشیم. قرآن در آیه ۸۱ سوره آل عمران می‌فرماید که خداوند از همه انبیا میثاق گرفت مبنی بر اینکه علی رغم داشتن کتاب آسمانی و حکمت آمادگی جابجایی داشته باشند و اگر بعد از آنها پیامبری آمد به راحتی مسئولیت را به او واگذار کنند و بدون احم و قهر به او ایمان بیاورند و او را یاری کنند. سپس به انبیا فرمود: «آیا اقرار می‌کنید و قول می‌دهید به مسئولیت را با محبت به دیگری تحویل دهید» انبیا گفتند: «بله ما همه اقرار می‌کنیم!» در خداوند فرمود: «پس شاهد باشید و من هم با شما شاهدم».

این نحوه از مدیریت از اصول منحصر به فرد اسلام است که هر کس حتی انبیا آمادگی تفویض مسئولیت را به دیگری داشته باشند و از همون روز نصب عزل خود را پیش بینی کنند

معلم موفق و خدامحور نه به کلاس نه به شاگردان و نه به محله و منطقه نه به مدیریت دل نمی‌بندد بلکه از سر تکلیف تدریس می‌کند و از سر وظیفه مسئولیت می‌پذیرد و در هر زمانی آمادگی جابجایی و تفویض امور را دارد.

۱۹. آماده پاسخگویی باشد

از ویژگی‌های خوب معلم، حاضر جوابی است یک معلم باید سوالاتی را که ممکن است از او بپرسند پیش بینی کند و جواب آنها را از قبل آماده داشته باشد

خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: افراد بی‌خرد در آینده سوالاتی درباره قبیله از تو خواهند کرد و خواهند پرسید که شما سال‌ها رو به بیت المقدس نماز خوانده‌اید و حالا قبله را از بیت المقدس به کعبه تغییر دادید؟ اگر قبله قبلی درست بود چرا از کار درست دست برداشتید و اگر سال‌ها رو به قبله باطل نماز می‌خوانید پس اسلام دین کاملی نیست؛ زیرا سال‌ها مردم را

در باطل رها کرده بود قبل از آنکه آنها سوال کنند تو جوابش را آماده داشته باش و با آنها بگو مشرق و مغرب برای خداست و او مکان خاصی ندارد» لذا پیامبر اکرم آمادگی پاسخگویی داشت.

بنابراین استاد و مربی باید سوالات را پیش‌بینی کنند و پاسخ آنها را از قبل آماده داشته باشند امروز آن مسئول و استادی ارزش بیشتری دارد که بتواند پاسخگوی سوالات و نیازها باشد.

۲۰. بصیرت و شناخت عمیق داشته باشد

قرآن بارها فرموده است که مشرکان برای عبادت بت‌های خود هیچ علم و منطق و استدلالی ندارد به همین دلیل کار آنها باطل است.

استادی موفق است که بصیرت جامع داشته باشد یعنی هم نیاز جامعه را خوب بشناسد، ظرفیت‌ها و استعدادها را مخاطب را بداند و بر آنچه تدریس می‌کند تسلط و بصیرت کامل داشته باشد و تبلیغات او را به پوچی نکشاند.

در هیچ زمانی اینقدر حقوقدان زیاد نبوده و دانشکده‌های حقوق توسعه نداشته اما در هیچ زمانی مثل الان حقوق بشر تا این اندازه ضایع نشده است. خاطر است که علم حقوق وجود دارد ولی وجدان و بصیرت و شهامت وجود ندارد. همین که رئیس سازمان ملل خواست علیه جنایت‌های سعودی‌ها حرفی بزند او را با پول خریدند. خود او اقرار کرد که به خاطر پول زبان ما بسته است و این سخن از تلویزیون‌های دنیا پخش شد.

بنابراین وجود علم و اطلاعات به تنهایی کافی نیست همانگونه که وجود آب به تنهایی رفع عطش نمی‌کند؛ بلکه باید آبی سالم باشد، در ظرف بهداشتی باشد و هم انسان اراده نوشیدن آن را داشته باشد.

۲۱. دلسوز شاگردان باشد

میان استاد و شاگرد به غیر از رابطه علمی باید رابطه عاطفی نیز وجود داشته باشد یکی از مصادیق ارتباط عاطفی آن است که از حال هم باخبر باشند. اگر پیامبر مسلمانی را مدتی نمی‌دید حال او را از دیگران می‌پرسید اگر می‌شنید بیمار است به عیادتش می‌رفت و اگر می‌شنید مسافرت در حق او دعا می‌کرد.

در قرآن می‌خوانیم که روزی حضرت سلیمان فرمود: «من هدهد را نمی‌بینم آیا برای غیبت او دلیلی است یا خودسرانه حضور ندارد؟» پس از لحظاتی هدهد آمد و عضو موجه خود را به حضرت سلیمان گفت و آن حضرت نیز پذیرفت.

تفقد از زیردستان بازدید از آنان و پرس و جوی احوالشان از اصول اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی است.

۲۲. واقع‌گرا باشد

از وظایف هر مربی و استاد آن است که واقع‌گرا باشد و نسل نو را نیز واقع‌گرا تربیت کند نه خیال‌گرا، نه غرب‌گرا، نه شرق‌گرا، نه درونگرا، نه برونگرا، و نه فردگرا و نه جمع‌گرا.

اشکال دیروز و امروز فردای بشر دوری از واقع‌گرایی و تکیه بر موهومات خیالات تبلیغات عناوین آمار و زرق و برق‌هاست قرآن کریم که بهترین کتاب تعلیم و تربیت است در آیات متعددی انسان را به واقع‌گرایی دعوت کرده و فرمود که قهر و مهر خدای تعالی بر اساس واقعیات است نه آرزوها.

عده‌ای که تن به کار نمیدهند و زیر بار مسئولیت نمیروند و پیشرفت‌های کشور خود را نمی‌بینند، اما فقط زبان به مدح کشورهای غربی می‌گشایند و کشور پیشرفته‌ای را بدون کار و وجدان کاری انتظار میکشند، خیالگرا هستند. معلمی چه غیرت دینی و ملی دارد حقایق را تبیین می‌کند هم مشکلات را می‌گوید و هم امتیازات را برمی‌شمارد؛ نقدش نه برای تخریب بلکه برای سازندگی است فریب تبلیغات دروغین غرب را نمی‌خورد و به آن اوهام و خیالات دل نمی‌سپارد.

۲۳. صبور باشد

داشتن صبر و پایداری رمز موفقیت هر کاری است به ویژه در تعلیم و تربیت و مسائل فرهنگی خداوند متعال به پیامبرش دستور صبر می‌دهد «و لربک فاصبر». همچنین برای مسائل فرهنگی و تربیتی مثل نماز به صورت ویژه به صبر سفارش می‌کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» «اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن». نتیجه کار فرهنگی و تربیتی فوری نیست و اگر انسان صبور نباشد موفق نمی‌شود صبر و پایداری معلم ضمن تضمین موفقیت او در عرصه تعلیم و تربیت به دانش پژوهان نیز درس صبوری و استقامت می‌دهد رفتار صبورانه استاد درس آموز است. ناگفته نماند که صبر و تلاش بستری برای رشد و توفیق است اما همه انسان‌ها و از جمله معلمان و استادان باید توفیقات خود را از خدا بدانند تا مبدا پیشرفت‌های خود را در اثر زحمت و تلاش خود ببینند و از خداوندی که فکر و مغز و سلامتی و علم و توفیق به آنها داده است غافل شوند؛ زیرا چه بسیارند افرادی که تاثیر و تدریس بیشتری دارند ولی به توفیقات لازم دست پیدا نمی‌کنند.

۲۴. درد آشنا باشد

استادی که درد آشنا باشد موفق‌تر است برخورد کسی که درد یتیمی و فقر را چشیده باشد با برخورد کسی که این درد را حس نکرده باشد فرق دارد خداوند متعال به پیامبرش می‌فرماید «آیا خداوند تو را یتیم و فقیر نیافت و به تو ثروت و ماوا نداد؟ پس اکنون که طعم یتیمی و فقر را چشیده‌ای و درد آشنایی یتیم و فقیر را از خود طرد نکن» این‌که قرآن کریم در مورد انبیا می‌فرماید: «یَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ» یعنی آنها با جامعه از نزدیک برخورد داشتند.

یکی از دلایل سفارش‌های بسیار اسلام در مورد مسجد اعتقاد داشتن مستمر مسلمانان با هم و با خبر بودن از مشکلات یکدیگر است؛ چون مسجد تنها جایی است که همه مردم از کوچک و بزرگ زن و مرد مشغول و گمنام همیشه و در هر شرایطی بدون اجبار و فقط برای خدا در آن جمع می‌شوند و هیچ فرد و صنفی در مسجد امتیازی ندارد. معلم موفق ارتباط مناسب و مستمری با شاگردان خود دارد تا بیشتر با مسائل و مشکلات آنان آشنا شود و حتی اگر نتواند مشکل و دردشان را درمان کنند لااقل با همدردی و برخورد مناسب تسکینی بر درد آنها باشد.

۲۵. تکلیف‌گرا باشد

تکلیف گرایی یکی از رموز توفیق و تاثیر است .

معلم باید همیشه به فکر وظیفه خود باشد و ببیند که در شرایط و محیط فعلی با وجود همه نارسایی‌ها و مشکلات چه کاری می‌تواند انجام دهد.

یک معلم وظیفه‌گرا باید بداند که همراهی نکردن دیگران تکلیف او را ساقط نمی‌کند زیرا قرآن می‌فرماید « قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاجِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى بَعْضِهِ » بگو من شما را به یک سخن پند می‌دهم برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر.

گاهی انسان به وظیفه چنان یقین دارد که حجت بر او تمام می‌شود در این صورت حتی اگر هیچ همراهی نباشد. باید به تنهایی اقدام کند. مثلاً اگر کسی در شب عید فطر ماه را ببیند روز بعد برای او عید فطر است؛ اگرچه تمام مراجع عظام بگویند که برای ما ثابت نشده است.

۲۶. با ظرفیت باشد

ظرفیت انسان با باید زیاد شدن علم بیشتر شود قرآن کریم به پیامبر می‌فرماید «و قل رب زدنی علماً» بگو پروردگار علم مرا زیاد کن و نمی‌فرماید «رب زد علمی» در جمله «زدنی علماً» توسعه روح نهفته شده یعنی زیاد شدن خود من از طریق تحصیل ولی در «زد علمی» سخن از زیادی علم است بدون توسعه روح.

نه تنها علم بلکه هر نعمتی نیاز به ظرفیت دارد چرا که ان نعمت را بدون ظرفیت لازم به ما بدهند اسباب دردسر می‌شود. آری هرچه معلومات و جایگاه علمی و مدرک انسان بالا می‌رود باید ظرفیت روحی و درونی او هم توسعه پیدا کند. اگر انسان ظرفیت نداشته باشد یا ثروت او را مغرور می‌کند یا قدرت او را مغرور می‌کند، یا علم ولی اگر ظرفیت باشد حتی اگر هر سه نعمت در یک نفر جمع شود به ان مغرور نمی‌شود؛ چون همه را از خداوند می‌داند نه خود.

۲۷. منضبط باشد

سراسر جهان خلقت بر محور نظم است. همه چیز در نظام هستی منظم قانونمند و تفکیک شده است. در همه ارکان آن هماهنگی کامل به چشم می‌خورد بهترین و ساده‌ترین دلیل بر توحید نظم و هماهنگی عجیبی است که بر موجودات جهان حاکم است؛ به عبارت دیگر مهم‌ترین راه خداشناسی مشاهده نظم موجود در عالم است.

واژه "صف" که به معنای نظم و انضباط است، هفت بار در قرآن آمده است. امام علی (ع) فرمود: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» شما دو فرزندم و همه فرزندان و خانواده‌ام و تمام کسانی که در طول تاریخ نامه من به آنها می‌رسد را به تقوا و نظم در کارها سفارش می‌نمایم.

همچنین روزی حضرت امام در مسجد سلماسی به شاگردان فرمودند: «اگر می‌خواهی به درس من بیایی با نظم باشی و همگی جلوی در مسجد به هم برسید؛ حتی فاصله منزل تا مسجد را باید حساب کنیم» معلم با نظم خود به دیگران نیز درس نظم می‌دهد. حضور به موقع در کلاس یا جلسه، اتمام به موقع درس یا سخنرانی، رعایت سیر بحث و عدم تشتت در ارائه مباحث، سبب جلب توجه مخاطبان و ایجاد جاذبه برای آنها می‌شود.

۲۸. عزم قوی داشته باشد

داشتن عزم در سه ایه از قرآن کریم کلید موفقیت معرفی شده و در هر سه آیه صبر نشانه عزم دانسته شده است. از آیه ۱۲ سوره فاطر به دست می‌آید به بعضی دریاها سود و بعضی شیرین هستند اما اگر انسان ماهیگیر باشد می‌تواند از هر دو دریا صید کند؛ اگر ناخدا باشد می‌تواند در هر دو دریا کشتیرانی کند و اگر غواص باشد می‌تواند از هر دو دریا لولو و مرجان به دست آورد. شرایط مختلف در افراد ماهر جوهردار مصمم و با عزم و اراده خیلی تاثیر ندارد. بسیاری با وجود امکانات مانند استاد کتابخانه کامپیوتر اینترنت و امثال آن به خاطر نداشتن اراده و جرات موفق نیستند، و در مقابل افراد زیادی به خاطر عزم قوی در هر شرایطی به رشد خود ادامه می‌دهند. از مسائل مهم در تدریس و تربیت عزم و اراده استاد و تلقین آن به شاگرد و تمرین دادن شاگردان به کارهای پر حوصله است.

۲۹. به هدف ایمان داشته باشد

معلم و مربی باید به هدف خود ایمان داشته باشد ایمان به هدف و یقین به درستی راه دلیل اصلی مقاومت انبیا و مبارزه طلبی آنان بوده است. ایمان داشتن به هدف انسان را قدرتمند می‌کند. قرآن در ستایش پیغمبر اکرم می‌فرماید: «ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» «پیامبر به وحی که به او می‌شد ایمان داشت» لذا وقتی مشرکین مکه به اون حضرت پیام دادند که «اگر همسر یا ثروت می‌خواهی ما به تو می‌دهیم به شرط آنکه دست از ادعای خود برداری» ایشان فرمود: «اگر خورشید را در دست راستم بگذارند و ماه را در دست چپم دست از هدفم برنمی‌دارم» هیچ چیز نمی‌تواند انسانی را که به هدف و راه خود مومن و علاقمند است دلسرد کند. ممکن است یک معلم یا استاد یا مربی در تنگنای زندگی مادی قرار بگیرند و احساس کنند که دیگران در رفاه بیشتری هستند، ولی ایمان و علاقه به کار آنها را دلسرد نخواهد کرد همانگونه که والدین به خاطر علاقه به فرزند هرگز نسبت به او کوتاهی نمی‌کنند، خواه فرزندشان دختر باشد یا پسر، زشت باشد یا زیبا، کوچک باشد یا بزرگ، فقیر باشد یا غنی، در شرایط سخت باشد یا رفاه.

۳۰. عادل باشد

استادی موفق است که مخاطبین او را عادل بدانند و ضوابط را فدای روابط و دوستی‌ها نکند. پیامبر رحمت که تجسم آیات الهی و معلم بزرگ زندگی بود نیز دل‌ها را با گفتار و رفتار عادلانه‌اش جذب می‌نمود. امام صادق فرمودند: «رسول خدا نگاهشان را به طور مساوی بین اصحاب خود تقسیم می‌کردند و گاهی به این نگاه می‌کردند و گاهی با آن» استاد و معلم باید در خواندن نام افراد و نحوه ارتباط با آنان عادلانه رفتار کنند و کلمات یکسانی را در خطاب با همه به کار ببرند.

۳۱. حامی محرومان باشد

یکی از کمالات مربی و معلم و استاد حمایت از محرومان است. در طول تاریخ بیشترین یاران و پیروان رسولان الهی، مستضعفان و محرومان بودند و بیشترین سختی رسالت انبیا نیز بر دوش آنان بوده است.

بنابراین مبلغ و مربی باید از آنها حمایت کند و از طرد آنان بپرهیزد؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» «و کسانی را که بامداد از شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که رضای او را می‌طلبند از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده تو نیست و از حساب تو چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمکاران شوی»

اگر استاد در آشنا باشد به محرومین توجه خواهد داشت. مبلغ و معلم باید بدانند که بی‌توجهی به محرومان و روی گرداندن از ایشان توبیخ خداوند بزرگ را به دنبال دارد.

۳۲. توکل داشته باشد

استاد و مربی هم باید مثل دیگران تلاش کنند و از ابزار و تخصص بهره گیرند اما در عین حال راهی برای امور پیش‌بینی نشده باز کنند.

خداوند به پیامبرش می‌فرماید اگر چه تو تبلیغ دین می‌کنی اما هدایت به دست ماست: «همانا تو نمی‌توانی هر که را دوست داری هدایت کنی و به مقصد برسانی بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به رهیافتگان آگاه‌تر است»

چه بسا استاد و شاگرد نهایت کوشش خود را می‌کنند اما در جلسه درس یا امتحان آموخته‌هایشان را از ذهنشان می‌رود یا بالعکس؛ نکاتی به ذهن معلم می‌رسد که اصلاً به آنها فکر نکرده بود و دانش آموز مسئله مهمی را در جلسه امتحان حل می‌کند که از حل آن عاجز بوده است.

توجه به اسباب و تلاش کردن لازم است اما انسان نباید با استاد، کتاب، آزمایشگاه، ابزار و حافظه، و توانایی‌های دیگر مغرور و از خدا غافل شود.

۳۳. با نشاط باشد

داشتن نشاط هم در روح انسان اثر دارد و هم در تولیدات او و هم در پاداش معنوی‌اش.

قرآن کریم از نماز با کسالت و زکات با کراهت انتقاد کرده است «و نماز را جز از روی کسالت و بی‌حالی به جای نمی‌آورند و جز از روی کراهت و بی‌میلی انفاق نمی‌کنند»

نداشتن نشاط یک آفت است و معصومان از آن به خدا پناه می‌برند چنانچه امام صادق عرضه می‌داشت «اللهم انی اعوذ بک من الکسل».

اگر ایمان و نشاط باشد انسان در کار خود نه تاخیر دارد نه به مزد و پاداش فکر می‌کند، نه کم کاری می‌کند، نه از کار خود گلیه می‌کند، نه کار خود را با دیگران مقایسه می‌کند.

اسلام حتی در عبادات و مناجات هم بر مسئله نشاط تاکید کرده است. امام سجاد در سحرهای ماه رمضان و در دعای ابوحمزه ثمالی از بی نشاطی در عبادات گلایه کرده سپس انواع احتمالات را برای علت بی‌انشاطی در عبادت و دعا مطرح و با سوز و گداز بی‌نشاطی خود را تحلیل کرده است.

به هر حال نشاط و انگیزه مسبب موفقیت در دنیا و تقرب در آخرت خواهد شد. تدریس با نشاط هم درس را شیرین می‌کند و هم به دانش آموزان و دانشجویان نشاط می‌باشد.

فصل سوم

وظایف معلم

برای موفقیت در عرصه تعلیم و تربیت باید نکات و مطالبی را مدنظر قرار داد تا بتوان بهره بیشتری از آموزش‌ها گرفت ما در این فصل به برخی از بایدهای معلمی اشاره می‌نماییم

۱. آغاز کار با نام خدای متعال:

استمداد از خداوند تعالی و شروع کار با نام حضرت حق سبب برکت و موفقیت است ذکر بسم الله در آغاز کار و تدریس بیانگر حقایقی خواهد بود از جمله آنکه:

-بسم الله نشانگر رنگ و صبغه الهی کار ما و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست
-بسم الله رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر و قرین کردن نام خدا با نام دیگران نشانه شرک خواهد بود.
نه در کنار نام خدا نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او.

-بسم الله رمز عشق به خدا و توکل به اوست

-بسم الله رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است

-بسم الله گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است

-بسم الله موجب فرار شیطان است. کسی که خدا را به همراه داشته باشد شیطان در او تاثیر نخواهد داشت.

-بسم الله عامل قداست یافتن کارها و بیمه شدن آنهاست

-بسم الله ذکر خداست؛ یعنی خدایا من تو را فراموش نکردم

-بسم الله بیانگر انگیزه ماست؛ یعنی خدایا هدف من تنها تو هستی نه مردم نه طاغوت‌ها نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها

_امام رضا فرمود: «بسم الله» به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است»

۲. عملی بودن درس‌ها

درس عملی عمیق‌تر از درس غیر عملی است. متأسفانه ما از زبان خود و گوش مردم خیلی انتظار داریم و این غلط است به قول شاعر «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

امام صادق فرمودند: «با غیر زبان خود مردم را دعوت نمایید».

در قرآن کریم می‌خوانیم: «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» «چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟» و در جای دیگر می‌خوانیم «اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» «آیا مردم را به نیکی سفارش می‌کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده‌اید»

البته شرط امر به معروف و نهی از منکر عمل خود انسان نیست. یعنی اگر منکری را دیدیم باید از آن نهی کنیم گرچه خودمان آن منکر را انجام دهیم. ولی شرط اثر سریع و عمیق عمل خودمان است. یعنی زمانی نهی از منکر ما اثر دارد که خودمان اهل آن منکر نباشیم البته امر به معروف و نهی از منکر در همه جا برکاتی دارد.^۲

معلم موفق امام و رهبر و الگوی دیگران است. لذا اعمال او بسیار تاثیرگذار است و باید در همه کارها پیشگام باشد. و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود پردازد چنانکه امیرالمومنین فرمودند: «بر همه کس که خود را امام و پیشوا قرار داده لازم است قبل از تعلیم دیگران خود را آموزش بدهد و تعدیب او به رفتارش باشد قبل از آنکه به زبانش باشد»

تقید به احکام الهی و مسائل معنوی پیش دستی در سلام کردن رعایت نظم تواضع احترام به پیشکسوتان تعلیم و تربیت، پرهیز از خودستایی و ... بر دانشجو و متعلم تاثیر می‌گذارد، آنگونه که رفتار و گفتار منفی معلم تاثیر سو خواهد گذاشت.

هرچه جایگاه اجتماعی معلم بالاتر باشد تاثیرگذاری اش بیشتر خواهد بود لذا قرآن کریم به زنان پیامبر اکرم که از موقعیت اجتماعی و مذهبی بالایی برخوردار بودند می‌فرماید: «ای زنان پیامبر حساب شما از سایر زنان جداست اگر هر یک از شما خلافی انجام دهد دو برابر دیگران کیفر خواهد دید؛ همانگونه که هر یک از شما که در برابر خداوند تعالی و پیامبرش فروتنی کند و عمل صالح انجام دهد، از پاداش دو برابر برخوردار خواهد بود»

۳. شهامت در گفتن «نمی‌دانم»

یکی از کارهای خوب معلم و مربی بلکه هر انسانی آن است که اگر چیزی را نمی‌داند با کمال صراحت و صداقت بگوید نمی‌دانم. همان گونه که فرشتگان به خداوند گفتند: «ما چیزی به جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».

معلم صداقت خود را با «نمی‌دانم» به رخ می‌کشد و همین کار ضمن جلب اعتماد مخاطبان او را در نگاه آنها محبوب می‌کند؛ چرا که با جواب بی‌اساس و حرف بی‌دلیل ذهن آنها را آشفته نمی‌کند و سلامت محیط آموزشی را بالا می‌برد.

اینکه کسی ندانسته جواب بدهد نشانه جهل اوست اما اینکه به راحتی و راستی بگوید «نمی‌دانم»

نشانی برخورداری او از نصف علم است چرا که

^۲ برخی از برکات امر به معروف نهی از منکر این چنین است:

الف) انهی از منکر از سوی افرادی که خودشان اهل منکرند نوعی تلقین به خود آنهاست موجب می‌شود که آن منکر را انجام ندهد

ب) هر کس که می‌خواهد امر و نهی او موثر باشد از درون احساس می‌کند که خودش باید به اون عامل باشد تا دیگران هم به آن عمل کنند

ج) فضای جامع باید مملو از آزادی بیان باشد نه ترس و خفقان و سکوت، اینکه در اسلام نهی از منکر از کسی که خودش منکراتی دارد ساقط نیست برای آن است که جامعه فضای آزاد بیان را احساس کند

حضرت علی فرمودند «قول لا اعلم نصف العلم» گفتن نمی‌دانم نصف علم است که اشاره به ویژگی شهامت در گفتن نمی‌دانم می‌باشد

۴. سنت پذیر و نو پذیر بودن

علم زمانی کامل است که هم وصل به تاریخ کهن باشد و هم پویا و به روز؛ بنابراین معلم باید هم از آداب به خوبی پیروی کند و هم تجدید پذیر باشد.

قرآن کریم از سوی خودش را «حدیث» یعنی «سخن جدید» می‌خواند و سوی دیگر خود را وصل به تاریخ کهن می‌دانند و می‌فرماید که اونچه در آیاتش آماده است در کتب انبیای دیگر هم آمده بود.

بنابراین نه سنت گرایی اصل است نه سنت شکنی؛ بلکه باید هر کار خیری را از نیاکان دنبال کرد و هر کار غلطی را گرچه سنتی نیاکان باشد کنار گذاشت. باید علاوه بر بهره‌گیری از تجارب علمی گذشتگان نوگرایی داشت.

نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشت‌های تازه و تایید شده توسط صاحبان تجربه و علم است و گرنه صرف نوگرایی بدون پشتیبان تحقیق و تایید علما و دانشمندان ارزشی ندارد. مهم این است که فرد عالم بر دیدگاه گذشتگان غیر معصوم تعصب نداشته باشد و راه اندیشه‌های تازه و نو را مسدود نداند بلکه در کنار بهره‌گیری از سفره گسترده علوم گذشتگان، کشف‌ها و برداشت‌های جدید علمی و مجرب را هم بپذیرد و خودش نیز از پدید آورندگان نظریات نو و ناب باشد.

۵. توجه به راه‌های دعوت

قرآن کریم می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (ای پیامبر مردم را با حکمت و گفتار استوار و منطقی و پند نیکو، به راه پروردگارت بخوان و با مخالفان به شیوه‌ای که نیکوتر است جدال و گفتگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده آگاه‌تر است و او هدایت یافتگان را بهتر می‌شناسد) از این آیه تا آخر سوره نحل ۱۰ دستور جالب اخلاقی برای برخورد مطرح شده است.

موعظه نیکو آن است که واعظ به آنچه می‌گوید عمل کند و جدال نیکو آن است که در آن توحید یا تحریک غلط احساسات نباشد. از اونجا که ممکن است موعظه و جدال با شیوه خوب یا شیوه بد همراه باشند، موعظه با کلمه حسن و جلال با کلمه احسن آمده؛ و گرنه منطق و حکمت دونوع نیست بلکه یک نوع است و آن هم با نیکی است.

اسلام به طرفداران خود هم غذای فکری می‌دهد (حکمت) و هم غذای روح (موعظه حسنه) و با مخالفان خود نیز برخوردی منطقی دارد (جدال احسن) معلم باید با توجه به ظرفیت و سطح مخاطب روش دعوت را انتخاب نماید.

۶. توجه به رشد جامع

استاد و مربی تنها مسئول توسعه و رشد علمی مخاطب یا رشد جسمی و تربیت بدنی او یا جمع آوری نظرات دانشمندان شرق و غرب در زمینه‌های مختلف نیستند بلکه باید رشد جامعه مخاطب را مدنظر داشته باشند. یعنی اگر به علم او می‌افزاید بصیرت او را هم ارتقا دهند.

قرآن که «بهدی الی الرشید» است به انسان رشد جامع می‌دهد اگر به نماز دعوت می‌کند به برائت از مشرکین هم دعوت می‌کند؛ اگر به تقوا دعوت می‌کند به رسیدگی به فقر هم دعوت می‌کند.

استاد باید باور کند و به شاگردان خود بیاموزد که همه باید از پیشرفت‌های علمی و تجارب دیگر کشورها استفاده کرد و هم به صورت جدی مراقب بیگانگان بود و فریب آنها را نخورد. چرا که به تعبیر قرآن کریم تا پیرو دین و آیین دشمنان نشویم از ما راضی نخواهند شد «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصْرَى حَتَّى تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ» دشمن به کم راضی نیست و فقط با سقوط کامل و محو مکتب و متلاشی شدن اهداف ما راضی خواهد شد.

۷. پاسخ به شبهات

یکی از وظایف استاد و معلم آن است که برای شبهات جدید پاسخ منطقی داشته باشد. اساتید علوم دینی و معارف باید در کنار مباحث اصلی خود نیم نگاهی به شبهات روز داشته باشند نگذارند که شبهه‌ها چون موریه‌ای به پایه‌های فکری دانش پژوهان و مخاطبان آسیب بزند.

البته باید به این نکته توجه داشت که تنها شبهات جدی و اساسی که عمومی و فراگیر شده‌اند نیاز به پاسخ دارند و نباید با طرح برخی شبهات بی‌اساس به ترویج آنها کمک کرد و ذهن دانش پژوهان را بیهوده با آنها درگیر نمود. ضمن اینکه استاد و معلم باید به اصل شبهه احاطه داشته باشند و در پاسخگویی چنان دقیق عمل کنند که آن را از ذهن‌ها بزدایند و گرنه به جای نفی شبهه، آن را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کنند.

۸. ایجاد انگیزه

استاد و مربی باید قبل از تعلیم درس نقش و اهمیت آن درس و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کند و افرادی که در آن رشته متخصص شده و بخشی از مشکلات جامعه را حل کرده‌اند به عنوان نمونه مطرح کنند تا شاگرد به آن درس احساس نیاز کند. قرآن کریم برخلاف کتب قوانین، به همراه بیان مقررات و دستورات شرعی انگیزه و حساسیت نیز ایجاد می‌کند مثلاً:

-گاهی با حروف مقطعه به انسان تلنگر می‌زند

-برخی از آیات پاسخ سوالاتی هستند که مردم از پیامبر می‌پرسیدند

-گاهی لابلای قصه‌ها مطالبی را می‌فرماید

-گاهی با بیان پاداش ایجاد انگیزه می‌کند و تشویق‌ها و پاداش‌های بزرگ بهترین انگیزه برای انجام کارهای سخت است

-برخی از آیات پاسخ سوالاتی هستند که مردم از پیامبر می‌پرسیدند

-گاهی با قسم و گاهی با بیان شأن نزول بحث را طرح می‌کند

-گاهی افراد را مخاطب قرار می‌دهد و گاهی مخاطبان خود را تغییر می‌دهد

-گاهی بامقایسه دو فرد یا دو مطلب موضوعی را شفاف و برجسته می‌کند

-گاهی برای بیان اهمیت دستور یا ایجاد انگیزه و عطش برای شنیدن مسائل مهم در سایرین شخص اول را مورد خطاب قرار می‌دهد «یا ایها النبی»

-گاهی با تکرار کلمه‌ای در مخاطب ایجاد حساسیت می‌کند و....

اگر اساتید ضمن بیان مطالبی برای شاگردان توضیح دهند که چه دانشمندانی عمر خود را صرف کرده‌اند و چه بودجه‌هایی صرف تحصیل و تدریس شده است تا این مطلب اثبات شود یا این آموزش‌ها چه برکاتی دارد و ندانستن آن چه ضررهایی خواهد داشت عشق شاگردان را به تاثیر زیاد خواهند کرد و آنها را قدردان با انگیزه و و صرفه جو خواهند ساخت.

۹. هجرت

بخش بزرگی از معلومات حاصل هجرت عده‌ای به مراکز علمی یا به سوی افراد دانشمند است. قرآن و روایات در این زمینه سفارش بسیار کرده‌اند؛ تا آنجا که قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد کسانی را که ایمان دارند ولی هجرت نمی‌کنند نه دوست بدارند و نه به آنان مسئولیت بدهند «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا».

هجرت اختصاص به پیامبر اکرم ندارد بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند بر هر مسلمانی لازم است؛ چنانچه به خداوند در پاسخ کسانی که به زندگی در محیط ناسالم را عذر آلودگی خود و ارتکاب به گناه می‌خوانند و می‌گفتند «کنا مستضعفین فی الارض» فرموده است: «الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» «اگر زمین خدا واسه نبود تا در آن مهاجرت کنید».

هجرت علاوه بر آموختن علم و دانش برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است قرآن بارها به سفرهای علمی و تجربی با دستور «قل سیر فی الارض» سفارش کرده و کسانی را که هجرت نمی‌کنند با جمله «افلم یسیروا» توبیخ نموده است.

استدلال به اینکه «مراکز علمی قداست دارد» یا «من به اینجا عادت کردم» یا «نسل من در اینجا مستقر شده‌اند» برای فرار از مسئولیت هجرت کافی نیست. همچنین استدلال به اینکه اگر مرا دعوت کنند می‌روم یا گاهی رفته‌ام نیز کافی نیست زیرا همین که دستوری بر انسان واجب شد باید انقدر تلاش کند تا مطمئن شود به آن دستور عمل کرده است و به اصطلاح علما اشتغال یقینی، برائت یقینی لازم دارد.

ضمناً نباید فقط نیاز مادی ما را به هجرت وادارد زیرا قرآن از ذوالقرنین به این دلیل ستایش کرده است که علی رغم داشتن امکانات و رفاه به خاطر مردم سفرهای زیاد کرد و خدمات تاریخی بسیاری از خود به جای گذاشت.

ارزش آن است که به مناطق محروم و مظلوم و بی‌سواد که از جهت فرهنگی ضعیف اند برویم چنانکه قرآن می‌گوید ذوالقرنین به مناطقی می‌رفت که مردم آن هیچ نمی‌دانستند: «لا یکادون یفقهون قولا» اگر مدیریت قوی باشد حتی از مردم بی‌فرهنگ هم آثاری تاریخی و مفید و محکم و ماندگار به جای می‌ماند.

۱۰. آموختن از هر شخص یا هر چیزی

معلم واقعی خود یک محصل و دانشجوی واقعی است و بدون اینکه برای او عار باشد از هر شخص یا از هر چیزی که بتواند نکته‌ای بیاموزد استفاده می‌کند و هر روز بر معلومات خود می‌افزاید.

حضرت موسی برای شاگردی نذر نزد حضرت خضر رفت و با او همسفر شد و از هر اتفاقی که در آن سفر زمینی و دریایی افتاد درسی آموخت.

۱۱. تعلیم در هر زمان و مکان

جای تعلیم و تربیت فقط کلاس و جلسات رسمی نیست اتفاقاً در سایر مواقع به ویژه در مواقع حساس و خاطره انگیز گفتن نقطه و مطالبی می‌تواند اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب بگذارد اگر معلم قوی باشد میتواند از هیچ، همه چیز بسازد. این رقم کلاس داری بدون هیچ گونه وسایل کمک آموزشی در ذهن‌ها باقی می‌ماند در حالی که بسیاری از کلاس‌های پیچیده و فنی نمی‌تواند چنین تاثیری داشته باشند.

۱۲. جبران ضعف‌ها

در مبحث صفات معلم و ذیل عنوان «برخورد صمیمی و با محبت» نکاتی را بیان نمودیم. در اینجا به یکی از بایدهای مهم معلمی اشاره خواهیم کرد. قرآن محبت را در مسائل تربیتی اصل می‌داند لذا می‌گوید «الرحمن علم القرآن» نمی‌گوید «الحی القيوم علم القرآن» یا «القادر المتعال علم القرآن» یعنی نزدیک‌ترین صفت به معلمیت رحمت و محبت است. گاهی در امور آموزشی و فرهنگی ضعف‌ها و چالش‌ها و مناقشاتی پیدا می‌شود و چه بسا استادی از محور عدالت و انصاف و محبت خارج شود و گفتار و رفتاری نامناسب با شاگردان و مخاطبان داشته باشد استاد و مربی خوب آن است که سریع مشکل را برطرف کند و با محبت و ملاطفت از شاگردانش دلجویی نماید.

۱۳. همدردی

یکی از وظایف مهم اساتید و معلمان همدردی با شاگردان و متعلمان است همدردی معلم سبب تسکین دردها و مصائب و مشکلات دانش پژوهان و سبب جلب محبت آنها می‌شود این همدردی می‌تواند در موارد متعددی باشد. از آنجا که اسلام آیین فطرت است و انسان فطرتاً از زینت لذت می‌برد لذا در احکام به استفاده معقول از زینت سفارش شده است. خداوند متعال زیبایی و زینت را دوست دارد چنانکه در روایتی آمده است ان الله جميل يحب الجمال و يحب آن یری اثرالنعمه علی عبده» «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمتش بر بنده‌اش آشکار باشد» اگرچه استفاده از زینت و طعام امری فطری و طبیعی است ولی باید با نیازمندان و محرومان نیز همدردی کرد. هر معلمی به اندازه وضع خود می‌تواند با شاگردان و مخاطبان همدردی کند و با این خصلت زیبا دل‌ها را رهبری نماید.

۱۴. ارتباط‌های خصوصی و چهره به چهره

یکی از بایدهای معلمی این است که معلم علاوه بر طرح نکات و مباحث عمومی ارتباط‌های دو به دو داشته باشد و از تاثیر ارتباط چهره به چهره غافل نشود. کلاس‌های عمومی خوب است ولی مهم‌تر از آن ارتباط‌های خصوصی است که می‌تواند در تربیت مخاطبین تاثیر ویژه داشته باشد

من تاثیر ارتباط خصوصی و چهره به چهره را در دوران معلمی خود تجربه کرده‌ام و با اینکه به لطف خدای تعالی در تلویزیون مخاطب فراوان دارم اما از جلسات کوچک و محدود نیز غافل نشده‌ام و در کنار کلاس‌های خصوصی به ارتباط‌های خصوصی معتقدم.

۱۵. هدایت در گرایش و انتخاب رشته

تدریس و تربیتی موفق است که نیاز فرد و جامعه را حل کند و خیر و برکات بیشتری داشته باشد باید آموخته‌های فرد قابل انتقال به دیگران و کمک‌های امدادی او در دسترس باشد.

با توجه به این اصل مسئولین آموزشی و فرهنگی باید در سیاستگذاری‌ها برنامه‌ریزی‌ها و مهندسی‌های علمی، به منطقه و جامعه و نیازهای آن و نیز مقاومت در برابر انواع تهدیدها توجه داشته باشند و معلمان و استادان نیز با همین نگاه متعلمان را به رشته‌های مورد نیاز و گرایش‌های ضروری سوق بدهند و بدانند که از مسائلی که در تدریس و تربیت مهم است حق گرایی است زیرا چه بسیارند کسانی که نیاز جامعه را تشخیص می‌دهند ولی رشته تحصیلی خود را به خاطر تبلیغات استقبال دیگر احتمال درآمد بیشتر یا جایگاه اجتماعی بالاتر بر اساس نیاز جامعه انتخاب نمی‌کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوْدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارٍ» «بگو من شما را به یک سخن پند می‌دهم برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر و یک نفر یک نفر».

حضرت علی نیز در این باره می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْجِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهَا» «ای مردم در راه حق از کمی جمعیت نهراسید».

۱۶. احترام به همکاران و پیشکسوتان

بر اساس آیات قرآن کریم در بهشت همه به یکدیگر سلام می‌کنند ولی دوزخیان یکدیگر را لعنت می‌کنند . نماز به ما یاد داده است که روزی ۵ مرتبه به همه افراد شایسته خواه در گذشته و خواه در آینده سلام کنیم «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین».

بنابراین احترام به سایرین و همکاران و همه امت یک ارزش است و در فضای تعلیم و تربیت اهمیت بیشتری دارد. احترام به دیگران احترام به مقام علم و احترام به خودمان است دیگران را بزرگ بشماریم و زحمات آنها را ببینیم تا دیگران هم زحمات و تلاش‌های ما را ببینند.

قرآن کریم مسلمانان دستور می‌دهد که هرگاه مومن یا استاد یا عالمی وارد جلسه شد به احترام او به پا خیزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه به شما گفته شود در مجالس جا باز کنید پس جا باز کنید تا خدا نیز برای شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید برخیزید خدا از میان شما کسانی را که ایمان آورده و کسانی را که صاحب علم و دانش‌اند به درجات رفعت و بزرگی می‌دهد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید به خوبی آگاه است».

خداوند در قرآن برای چند گروه جایگاه و درجات مخصوصی قرار داده است انبیاء، مجاهدان، نمازگزاران اهل انفاق، مومنانی که عمل صالح انجام می‌دهند و دانشمندان.

خداوند در آیه «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» نشان دهنده آن است که فرمان بلند شدن به خاطر ورود مومنان و دانشمندان است یعنی به احترام آنها قیام کنیم که نشان دهنده یکی از وظایف معلمی می‌باشد.

۱۷. نظرخواهی و مشورت

نظرخواهی و مشورت^۳ فواید زیادی دارد که بر کسی پوشیده نیست. با مشورت علم انسان اضافه می‌شود. و دوست و دشمن از هم تمایز پیدا می‌کنند اگر موفق شویم حسودان ما کم می‌شوند. زیرا توفیق ما را به برکت مشورت با خودشان می‌دانند و اگر شکست بخوریم غمخوار پیدا می‌کنیم چون شکست ما را به خاطر مشورت با خودشان می‌دانند.

با مشورت کارها پخته تجربه‌ها منتقل و غرور افراد شکسته می‌شود حتی اگر عاقل‌ترین و عادل‌ترین افراد باشیم از مشورت بی‌نیاز نیستیم. وسیله پیامبر و اهل بیت بارها بر مسئله مشورت تاکید شده است لذا هیچکس نباید خودش را بی‌نیاز از آن بداند.

وقتی خداوند به اشرف مخلوقات می‌گوید «با مردم مشورت کن» تکلیف باقی افراد معلوم است: «شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «و در امور با آنان مشورت کن پس هنگامی که تصمیم گرفتی قاطع باش و بر خداوند توکل کن بر راستی خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد».

البته ناگفته پیداست که فرمان مشورت در مورد کارهای اجتماعی است، نه فرمان‌های صریح خدا و پیامبر؛ لذا در قرآن کلمه مشورت با کلمه امر آمده است. «و شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ» یا «و امرهم شوری بینهم». هرگز برای تعداد زکات، نماز، روزه، ماه رمضان، سفر حج، مقدار خمس یا زکات مشورت نمی‌شود چون برای هر یک دستور صریحی در قرآن و حدیث آمده است. بنابراین همانگونه که نماز عهد الله است و ما حق مشورت در مورد نماز را نداریم امامت نیز عهد الله است و درباره آن نمی‌توان مشورت کرد.

با توجه به اهمیت مشورت و نظرخواهی خوب است که معلم و استاد در خصوص برخی امور درسی یا مسائل و طرح‌ها مشورت کند. هم با شاگردان خود و هم با سایر استادان با تجربه. اگر معلم و استاد طرحی دارد قبلاً با اساتید مشورت کند و بعد به نسل نو منتقل نماید. این کار سبب می‌شود که اگر طرح مشکلی دارد رفع بشود یا اگر برای رسیدن به کمال مطلوبش نیازمند نقد است نقادی و پس از تکمیل و اطمینان عرضه شود.

^۳ کلمه شور در اصل به معنی مکیدن شیر گل‌ها توسط زنبور است در مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه‌ها را جذب می‌کند مولوی می‌گوید «کاین خرده چون مصابیح انور است/ بیست مصباح از یکی روشن تر است»

۱۸. دادن فرصت تحقیق به مخالف

به افرادی که در صدد تحقیق اند فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم در آیه ۶ سوره توبه می‌خوانیم «وإن احد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون» «و اگر یکی از مشرکان برای تحقیق از تومانی و پناه خواست پس به او پناه دهد تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند و شاید با شنیدن آیات الهی هدایت شوند.»

از این آیه شریفه می‌توان به نکات زیر پی برد:

- راه تفکر و تعقل حتی برای مشرکان مهدورالدم باز است

- حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت

- مکتبی که منطق دارد عجله نمی‌کند

- باید امنیت افراد محقق را تضمین کرد

- کفر برخی از جهلشان سرچشمه می‌گیرد و اگر آگاه شوند حق را می‌پذیرند.

۱۹. توجه به آثار جنبی رفتار

توجه به امور جنبی یکی از نکات مهم در کارهای آموزشی است؛ هم اهمیت دادن به نکات جنبی در آموزش که برکاتی دارد به هم توجه به رفتار و عمل که آثار و پیامدهای جنبی دارد.

اگرچه برای آموزش برنامه‌های رسمی با متونی مشخص وجود دارد ولی استادی موفق است که بتواند با مطالعات جانبی مرتبط و اطلاعات مناسب و بیان شیرین کلاس خود را جذاب‌تر کند چرا که گاهی بیان نکات جنبی، و آثار گفتگوهای حاشیه‌ای از گفتگوهای رسمی بیشتر است مثلاً گاهی گفتگوهای انسان با دوستانش مهمتر از اصل مهمانی است

همچنین گاهی آثار و برکات یا مشکلات جمعی یک عمل مهمتر از خود آن است بدگویی و غیبت چند کلمه بیش نیست ولی گاهی باعث نابود شدن آبرویی می‌شود که شخص در طول عمر به دست آورده است و این هشداری به همه به ویژه به کسانی است که در عرصه تعلیم و تربیت تلاش می‌کنند.

در بعضی آیات می‌خوانیم که در قبال برخی کارهای خیر و برکاتی می‌رسید و آن اینکه خداوند بدی‌های شما را به خوبی تبدیل می‌کند این نقطه که هر کار و نیت ما برکات پیدا و پنهانی دارد.

۲۰. سفارش دلسوزانه و استقبال از پیشنهادها

هیچکس نباید خودش را بی‌نیاز از تذکر و نصیحت بداند. کسی در مسائل تعلیم و تربیت موفق‌تر است و دلش قفل نباشد هم راحت بگوید هم راحت بشنود و هم راحت بپذیرد قرآن کریم بارها کلمه «تواصوا» را به کار برده است یعنی یکدیگر را سفارش کنید این کلمه در قالب باب تفاعل و به معنای آن است به سفارش به نیکی‌ها باید طرفینی و به صورت یک جریان عمومی باشد نه یک طرفه.

در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

- «تواصوا بالحق» در آیه ۳ سوره عصر آمده است در مسیر حق بودن کافی نیست بلکه لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم

- «تواصوا بالصبر» دو بار در قرآن کریم آمده است یک بار در سوره عصر و بعد از آیه تواصوا بالحق و یک بار در آیه ۱۷ سوره بلد که منظور از تواصوا برای کار طرفینی است

- «و تواصوا بالمرحمة» که در برای تاکید است یا برای آن که هر یک از صبر و مرحمت یک تکلیف مستقل هستند و با ترک یکی زمینه دیگری از بین نمی‌رود

یکی از بایدهای معلمی این است که هم در سفارش و توصیه به دیگران احساس وظیفه کند و محترمانه نکاتی را به همکاران و دیگران سفارش نماید و هم از پیشنهادهای دیگران چه همکاران و چه دانش پژوهان و مخاطبان بهره بگیرد و خود را بی‌نیاز نداند در مکتب توحیدی حتی پیغمبری مثل سلیمان از حیوان کوچکی مثل هدهد پیام می‌گیرد و ترتیب اثر می‌دهد.

۲۱. انتقاد پذیری

استادی موفق و محبوب است که انتقاد مصلحانه را بپذیرد چنانکه در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِبِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي وَ مُتَابَعَةِ مَنْ أَرَشَدَنِي» خدایا مرا به اطاعت و پیروی کسی که مرا به راه سداد و صلاح کند و هدایت نمود موفق ساز.»

مبلغ و معلم باید به انتقادهای گوش دهند زیرا گوش ندادن به حقایق صفت کافران کوردل است «و لهم اذان لا يسمعون بها» آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند.

انسان مسلمان به انتقادهای دیگران به دید هدایای ارزشمند می‌نگرد در چشم او کسی که یوبش را گوشزد می‌کند در حقیقت به او هدیه می‌دهد لذا او را محبوب‌ترین برادر خود می‌دانند چنانکه از امام صادق نقل است: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي.»

۲۲. امیدوار و امیدبخش

از وظایف معلم مسلمان، دلگرم بودن و دمیدن روح امید در کالبد دانشجو است. معلمی موفق است بر اثر امید به وعده‌های الهی هم دلگرم باشد و هم امید را به مخاطب خود تزریق کند.

یاس از رحمت خداوند رحیم جزو گناهان کبیره است و مایوس کردن دیگران به تعبیر قرآن کریم کار شیطان و منافقان. در حدیث می‌خوانیم که امیرالمومنین فرمودند: فقیه واقعی و اسلام شناس حقیقی کسی است که مردم را از رحمت الهی ناامید نکند وزن گشایش و روح الهی مایوس ننماید و آنان را از مکر خداوند ایمن نسازد.

مبلغ و معلم امیدوار با قدرت و قوت به راه تبلیغ و تعلیم ادامه می‌دهند کار را جدی دنبال می‌کنند و از سستی پرهیز می‌کنند همچنین استاد و معلم باید دانش پژوهان خود را به آینده روشن امید دهند استادی که دائماً از پیشرفت‌های علمی دانشمندان غربی سخن می‌گوید و کشور خویش خودش را تحقیر و دانشجویان را برای سفر به خارج تحریک می‌کند و به جای امید روح یاس درون آن می‌دمد خیانتکار است.

۲۳. قاطعیت در راه حق و نترسیدن از سرزنش‌ها

قرآن کریم در توصیف انبیای الهی که معلمان بشر هستند می‌فرماید: «ولا یخشون احدا الا الله» «و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند»

در حدیث می‌خوانیم که رسول خدا فرمودند: «هنگامی که بدعت‌ها در امت من ظاهر شود بر شخص عالم است که علم خویش را ظاهر سازد و کسی که چنین نکند لعنت خدا بر اوست».

مبلغ مومن و معلم معتقد نیز نباید در راه تبلیغ دین هراسی از سرزنش کنندگان داشته باشد: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» «در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت کننده‌ای نمی‌هراسند».

رسول خدا هنگامی که معاذ را برای تبلیغ به یمن فرستادند به او فرمودند: «در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان مترس».

معلم و مبلغ واقعی و شجاع آنچه که لازم باشد با قاطعیت به کفار و معاندان پشت می‌کنند با صراحت موضع می‌گیرند

۲۴. داشتن حکمت

یکی از وظایف انبیا آموزش کتاب و حکمت است: «و يعلم الكتاب والحكمة» حکمت همتای کتاب آسمانی است و به هر کس عطا شود خیر کثیر را برای او به ارمغان خواهد داشت.

«حکمت» را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانستند خداوند به بعضی از افراد پاک و با تقوا و پرتلاش عطا می‌کند تا آنان وسوسه پای شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند و چاه را از راه و شعار را از شعور تشخیص دهند و این خیر کثیر است.

بر اساس روایات حکمت همچون نوری است که در جان قرار می‌گیرد و آثار آن در گفتار و رفتار انسان پیدا می‌شود. حکمت بینش و بصیرتی است که اگر در فقیر باشد او را در جامعه از ثروتمند محبوب‌تر می‌کند و اگر در صغیر باشد او را بر بزرگسالان برتری می‌بخشد.

فرد حکیم در مسائل سطحی و زودگذر توقف ندارد توجه او به عاقبت و نتیجه امور است نه نزاع بیهوده‌ای با بالا دست خود دارد و نه زیردستان را تحقیر می‌کند؛ سخنی بدون علم و آگاهی نمی‌گوید و در گفتار و رفتارش تناقضی یافت نمی‌شود.

امام خمینی علاوه بر اون که یک مرجع تقلید و سیاستمدار بود مرد حکیمی نیز بود لذا بعد از تسخیر دانه جاسوسی و گرفتن جاسوسان آمریکایی دستور داد تا یکی از آنان را که سیاه پوست بود آزاد کنند و فرمود «به این نژاد در طول تاریخ ظلم شده است» و با این کار حکیمانه همه سیاه پوستان را شاد و هم آمریکا را تحقیر کرد.

در امور آموزشی نظیر گفتار و رفتار و تصمیم حکیمانه ضروری است مانند تنبیه و تشویق، تقابل و تحمل، نگاه تیز تا تبسم، سخت گرفتن و سهل گرفتن.

۲۵. اهل ذکر باشد

از ویژگی‌های افراد نخبه و صاحب خرد این است که پیوسته به یاد خدای تعالی هستند و او را مراقب خود می‌دانند از نگاه کتاب آسمانی نشانه خرد ذکر خدای تعالی در هر حال است. قرآن کریم درباره افراد نخبه و صاحب مغز می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» «خردمندان کسانی هستند که ایستاده و نشسته و خوابیده بر پهلو یاد خدا میکنند». معلم و استادی که الگوست باید چون معلمان الهی اهل ذکر باشد و پیوسته خدای تعالی در نظر داشته باشد و در زندگی روزمره‌اش برنامه‌های منظم معنوی داشته باشد. امکان ندارد که انسان بدون یاد خداوند تعالی موفق باشد و بتواند در متعلمان رشدی ایجاد نماید. علمای بزرگ ما ضمن سخت کوشی در علم آموزی و تعلیم و پژوهش یک برنامه منظم عبادی داشتند و با منطق و منش توحیدی خود توانستند انسان‌های بزرگی را تربیت کنند.

بعضی انسان‌ها اهل علم هستند ولی اهل ذکر نیستند و بعضی انسان‌ها اهل ذکر هستند ولی تحصیلات عالی ندارند.

۲۶. توطئه شناسی

معلم و مربی باید هم از توطئه‌های بیگانگان آگاه باشند و هم به مخاطبان خود هشدار بدهند در قرآن کریم آمده است که جمعی است سرشناسان یهود نقشه کشیدند که صبح به پیامبر ایمان بیاورند و غروب از دین او برگردند و بگویند: «ما محمد و آیین او را دیدیم ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده است مطابقت ندارد» تا با این کار به دو نتیجه برسند: اول اینکه سایر یهودیان به فکر مسلمان شدن نیفتند و بگویند آنان که صبح مسلمان شده‌اند شب از دین خود برگشتند؛ دوم اینکه روحیه مسلمانان را تضعیف کنند تا با خود بگویند نکند دین ما ارزشی نداشت و دانشمندان را جذب نکرد؟! این طراحی و توطئه از طریق وحی به پیامبر اعلام شد و ایشان آن را برای مردم مطرح کرد تا آماده باشند. بنابراین دشمن حتی با ایمان تاکتیکی و لحظه‌ای درصدد ضربه زدن است چه بسا به اسم سمپاشی قصد تخریب باغ‌ها را داشته باشند چه بسا به قصد تنظیم خانواده مانع تولید نسل بشوند. دشمن که در دل آرزوی کفر ما دارد در عمل از هیچ توطئه‌ای و نقشه‌ای خودداری نخواهد کرد که باید نسبت به آن هوشیار بود.

۲۷. دشمن شناسی

باید خود و شاگردان خود را با دشمن آشنا کنیم قرآن کریم بارها به مسلمانان در خصوص تحذیر از دشمنان هشدار داده است. در آیه‌ای از قرآن کریم در تبیین ماهیت خطرناک دشمنان آمده است: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عٰثَتُم مِّنَ الْبَغْضَاءِ مِنْ أَقْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان هم راز نگیرید آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از دهانشان پیدااست و آنچه دلشان در بر دارد بزرگتر است. به تحقیق ما آیات روشن‌گر و افشاگر توطئه‌های دشمن را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید». در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هوشیار باشید چرا که آنان ذره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کند و با شگردهای گوناگون درصدد ضربه زدن به شما هستند شگردهایی همچون:

-فساد«لَا يَأْلُوْنَكُمْ حَبَالًا»

-فشار«وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»

-نفاق«وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»

دشمن برای ما چه آرزو می‌کند اگر واژه «ود» در قرآن را بررسی کنیم با آرزوهای دشمنان درباره خود پی می‌بریم:

الف (غفلت از سلاح و سرمایه خود«وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ و امتعتکم»

ب) ضعف و سستی و مداهنه و سازشکاری

ج) رنج و فشار و به زحمت افتادن

د) ارتداد و بازگشتن از دین

این آیه در ادامه راه شناخت دوست و دشمن را بیان می‌کند و آن توجه به روحیات و عکس‌العمل دیگران در مواقع کامیابی یا ناکامی مسلمانان است؛ ضمن اون که متذکر می‌شود دوست گرفتن دشمنان ممکن است تابانی سخت داشته باشد و آن اینکه آنان علیه ما توطئه کنند بنابراین شما باید اهل ثبوت و تقوا باشید تا حيله‌های آنان ضربه‌ای به شما نزند: «إِنْ تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ».

۲۸. جدی گرفتن هشدارها

استاد و مربی باید همیشه مخاطب خود را امیدوار کند و در کنار امید خطرها و هشدارهای لازم را بدهد و توجه ویژه به «انذار» داشته باشد؛ چون معمولاً در انسان‌ها انگیزه دفع ضرر قوی‌تر است جلب منفعت است بزار قرآن بر مسئله انذار تاکید کرده است.

مسئولیت هشدار به قدری سنگین است که خداوند تعالی در قرآن کریم جویندگان علوم اسلامی می‌فرماید که بعد از تفقه باید به سوی قوم و قبیله خود برگردند تا آنها را هشدار دهند «ولینذروا قومهم اذا رجعوا اليهم» لذا بت الله به حوزه‌ها و همه آنان که در طلب معارفند دو هجرت لازم است یکی به سوی حوزه‌ها و مراکز علوم دینی و دیگری از حوزه به سوی شهرها به قصد هشدار دادن به قوم و قبیله خود، هشدار از قهر خدا، هشدار از توطئه دشمن، از غفلت و ضعف‌های خود و در یک کلام دشمن شناسی و خطر شناسی.

این رسالت خصوصاً در زمان ما اهمیت بیشتری دارد چرا که جبهه کفر پشت به پشت یکدیگر داده‌اند و با بهره‌گیری از رسانه‌ها، فضای مجازی، بودجه‌ها، هنرها، مغزها، سفرها، بوق‌ها و تبلیغات هر کجا را بخواهند تصرف می‌کنند و به شرک و کفر و نفاق، رذائل اخلاقی دامن می‌زنند و در یک کلام بشر را به غفلت از خود خدا و جامعه تشویق و ترغیب می‌کنند.

۲۹. سنجش مقدار تاثیر آموزش‌ها (خودآزمایی)

یکی از کارهای لازم سنجش و خودآزمایی در خصوص مقدار تاثیر علم و خروجی درس‌هاست. چه خوب است که معلم هر از چند گاهی هم خود را با معیارهای قرآنی و روایی بسنجد به هم دانش پژوهان خود را در ترازوی سنجش معارف الهی قرار بدهد.

قرآن کریم نهج البلاغه و روایات بهترین معیار سنجش ما هستند تا بدانیم که نتیجه درس خواندن‌ها و دست دادن‌هایمان چیست؟

معلم موفق هم خود را در ترازوی سنجش و نقد قرار می‌دهد و هم معیارها را به دانش پژوهان خود می‌آموزد. ما همه در زندگی خود نیازمند چک لیستی معنوی هستیم تا رشد خود را پیوسته بسنجیم.

۳۰. استفاده از همه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

همان گونه که عبادت منحصر به مکان و زمان خاصی نیست (اگرچه در مکان‌های مقدس و زمان‌های خاص افضل است) فیلم آموزی و تدریس و تبلیغ نیز نباید منحصر به محیط‌های علمی و آموزشی یا فقط در زمان حضور در مدرسه و دانشگاه باشد؛ چرا که تعلیم و تربیت هیچگاه تعطیل بردار نیست.

از کارهای شایسته‌ای که اساتید و معلمان محترم می‌توانند انجام دهند توسعه ظرفیت‌های آموزشی و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها است تا با توجه به برخی از تعطیلی‌ها بتوانند در هر زمان و مکانی که امکان مباحثه مسائل علمی و دینی باشد از آن بهره ببرند و هرچه می‌توانند مانع شکنی کنند و به پیشرفت و رشد بیندیشند.

۳۱. رعایت استاندارد و تعلیم منطقی

باید انگونه کلاس داری کنیم و مطالب را انتقال دهیم که دیگر معلمان بتوانند آن را تکمیل کنند؛ نه آنکه کلاس داری ما آنقدر ساده و سطحی و بدون عمق و استدلال و منطق باشد که استاد دیگر مجبور شود آن را تخریب کند و دوباره بسازد. از چیزهایی که آموزش را مطمئن و هدفمند می‌کند استفاده از متون آموزشی مطمئن است که توسط مراکز معتبر و بر اساس نظام آموزشی تهیه شده باشند.

۳۲. قالب سازی نه قالب پذیر

اگرچه نظرخواهی و مشورت امر پسندیده‌ای است اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست گاهی بنا به دلایلی نمی‌توان از جمع و محیط تبعیت کرد بلکه لازم است با شهامت قدم برداشت و اقدامی نمود لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد نه قالب پذیر.

بسیار کسانی که با شعار «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» در طول عمرشان قدمی یا کلامی خلاف مسیر عموم برنمی‌دارند و در هیچ موردی خط شکن و قالب ساز نیستند؛ بلکه همیشه قالب پذیرند و به اصطلاح نان را به نرخ روز می‌خورند و به هر سمت سویی که باد می‌آید متمایل می‌شوند.

در مقابل این افراد افرادی هستند قالب ساز و خط شکن که هیچ نظام اقتصادی سیاسی اجتماعی خانوادگی مانع تصمیم بر حق آنان نمی‌شود و به قول قرآن: «لا یخافون فی الله لومه لائم» امیا و اولیای الهی از این گروه بودند.

۳۳. آشنایی با مشکلات دیگران

اگر انسان فقط به مشکلات خود توجه کند ناراحت و گلايه مند و بی نشاط می شود اما اگر نیم نگاهی به مشکلات دیگران داشته باشد ظرفیت او بالا، روح او بزرگ و در برابر مشکلات مقاوم تر می شود.

قرآن به پیامبرش می گوید: مقاومت و صبر داشته باش کما اینکه پیامبران اولوالعزم دیگر صبر کردند.

آشنایی با مقاومت و صبر دیگران برای انسان مایه تسلی و دلداری است به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت؛ چرا که علما و دانشمندان ما هم در تعلیم و تدریس و هم در پژوهش و تحقیق ش‌های کمرشکنی کرده‌اند و در زندگی‌نامه و خاطرات آنان بخش‌هایی از این تلاش‌ها و سبک‌ها آمده است، برای همه معلمان محترم آشنایی با این اسوه‌های تعلیم و تربیت امری ضروری است.

۳۴. آشنایی با فرهنگ و گویش مخاطبان

آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب المثل‌های مخاطبان که از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسان تر مفاهیم است مثلاً قرآن کریم «ز قوم» را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است. «ز قوم» گیاه زهرداری که در بادیه‌ها می‌روید و اگر برگشت کنده شود از جای آن شیرهای بیرون می‌آید که به هر جای بدن برسد ورم می‌کند. قرآن در توصیف این درخت می‌فرماید: «طَلْعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيْطَانِ» «خوشه‌ها و شکوفه آن مانند سرهای شیطان است» از آنجا که شیطان در فرهنگ مسلمانان به موجودی زشت و بد ذات و خبیث گفته می‌شود در این آیه می‌فرماید: شکوفه‌های درخت «ز قوم» به جای آنکه زیبا و دلبر باشد گویا سرهای شیطان است. همچنین در فرهنگ مردم فرشته مظهر خوبی و کرامت است تا آنجا که زنان مصر در ستایش یوسف گفتند: «ان هذا الا ملک کریم».

قرآن کریم در جای دیگر برای توصیف صحنه قیامت می‌فرماید: «و اذا العشار عطلت» و «آنگاه که شتران باردار به حال خود رها شوند» «عشار» جمع «عشرا» به معنای شتر حامله ۱۰ ماهه است که نزد عرب با ارزش‌ترین اموال محسوب می‌شده است.

نکات مهم مهارت معلمی استاد محسن قرائتی

۱- کار پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است. معلمی انتقال علم و تجربه، انقاذ غریق و کلید عزت بصیرت و مصونیت است چنانچه که در سوره الرحمن می‌خوانیم «الرحمن علم القرآن» خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود. ۱۳ آیه در قرآن به سوال‌های مردم از پیامبر اکرم اختصاص یافته که با کلمه «یستلونک» همراه است این نشان می‌دهد که پیامبر معلم مردم بوده است.

۲- در قرآن کریم بعد از نام مبارک الله بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته رب است ناگفته پیداست ربوبیت زمانی کامل است که بر اساس علم، حکمت، مصلحت، رحمت باشد که خداوند همه را دارد. معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل می‌کند، زمانی که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند روح امید را در او بدمد و هنگامی که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند او را هشدار دهد.

امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق که از خداوند می‌خواهد: «الهی انطنی بالهدی و الهمنی التوی ، خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن. انسانی که به این مقام برسد خدایی می‌شود و همین که خدایی شد می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند

۳- موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند جامدات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها. اگر انسان درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر منحرف گردد از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد معلم نمی‌گذارد که گوهر انسانیت نابود و مغفول شود غفلت انواعی دارد:

-عده‌ای از خدا غافل‌اند(نسوا الله)

-عده‌ای از قیامت غافلند (نسوان یوم الحساب)

-عده‌ای از وظیفه خود غافلند (کذلک انتک آیاتنا فنسیتها)

-عده‌ای از محرومان غافلند (ولم نک نطعم المسکین)

-عده‌ای از توانمندی‌های خود غافلند و نمی‌دانند که چه موجودی هستند

-عده‌ای از ارزش عمر خود غافلند به عمر خود را صرف کارهای لغو می‌کنند

۴- آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»: یکی از نشانه‌های برتری اعمال ماندگاری آثار آن است چنانچه که حضرت ابراهیم از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» و خداوند کلمه توحید را در میان نسلش کلمه ماندگار قرارداد باشد که آنان بازگردند. معلم باید بداند که ماندگارترین کار تعلیم و تربیت است آن هم بر روی نسل جوان که تاثیر پذیری و ماندگاری آن بیشتر است.

۵- قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی برشمرده است که به آن گرفتار شده بودند: "وَيَصْغُ عَنْهُمْ إصرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ" و از آنان بار گران و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی‌دارد. علم حقیقی نگاه انسانی را توحیدی می‌کند در حدیث می‌خوانیم «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ» ثمره علم شناخت خداوند است. و همچنین: " ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ " ثمره علم، بندگی خداوند است. مشکل بزرگ امروز جامعه بشری جدا شدن «اقرا» از «اسم ربک» جدا شدن «یعلمهم» از «یزکیهم» جدا شدن مادیات از معنویات جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام جدا شدن علم از دین است معلم ربانی هادی و ناجی است ورزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان است.

۶- علم را مقدس بدانیم، اسلام برای آموزش هیچ محدودیتی قائل نیست:

-نه محدودیت زمانی: از گهواره تا گور علم بیاموزیم

-نه محدودیت مکانی: اگر علم در ثریا باشد مردانی از فارس به آن می‌رسند

-نه محدودیت جغرافیایی: دانش را بجوید گرچه در چین باشد

-نه محدودیت مقداری: چرا از هر گروهی از مردم دسته کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند

-نه محدودیت جانی: عبارت «لو يعلم الناس ما فی طلب الهام لطلبوه ولو بسفک المہج و خوض اللجج» اگر مردم ارزش علم را می دانستند به سراغ آن می رفتند گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد

-نه محدودیت انسانی: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بیوشاند و دفن کند

-نه محدودیت مکتبی این سخن پیامبر اسلام که «بهای آزادی کسانی که در جنگ اسیر می شدن آموزش خواندن و نوشتن به ۱۰ نفر از مسلمانان قرار دارد» نشان دهنده نه به محدودیت مکتبی می باشد

خداوند با این روش به انسان اولیه آموخت که چگونه مرده خود را دفن کند: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ» از خداوند زاغی را فرستاد به زمین را می کاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بیوشاند و دفن کند

۷- حیات اقسام مختلفی دارد گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می آید حیات حیوانی نیست چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد بلکه مقصود حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه هاست

۸- تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و تصنع انجام دهد در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد مقید به پوشش پاس مدرسه خاص شاگردان ویژه و باشد و در یک کلام برای خود شائیتی ویژه قائل شود.

پیامبر اسلام به مردم میفرمود: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ، مَنْ أَهْلُ تَكَلُّفٍ لَيْسَ مِنِّي». نشانه بی تکلفی سلام کردن به همه افراد، رفت و آمد با طبقه محروم، کمک کردن به همسر، توقع نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل و اقرار به برتری دیگران می باشد. صفحه

۹- الف- اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد گرفتار می شود. ستایشگر گروهی می شود که به او کمک می کنند و از گروهی انتقاد می کند که به او کمک نمی کنند

ب- اخلاص، دانشگاهی است که ۴۰ روزه فارغ التحصیل بیرون می دهد. در روایات می خوانیم: «هر کس ۴۰ روز کارهای خود را خالصانه قرار دهد خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می کند»

ج- اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدانیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست به آرامش و اخلاص می رسیم اگر بدانیم روزی به داشتن ثروت نیست بلکه روزی حقیقی در کامیابی است اخلاص می رسیم.

۱۰- در اسلام فارغ التحصیل نداریم زیرا خداوند متعال به پیامبرش می فرماید «وقل رب زدنی علما» «بگو پروردگار علم مرا زیاد کند» این آیه اشاره می کند که همه باید در فکر تحصیل علم باشیم و خود را فارغ التحصیل نداند.

امام صادق فرمود «علوم ما در هر شب و روز زیاد می شود و اگر اضافه نشود ذخیره های علمی ما از بین می رود». در حدیث می خوانیم «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند»

۱۱- معلم و مربی باید در جامعه حضور داشته باشد در بعضی آیات واژه «رسول» با «فیهم» و «منهم» آمده است یعنی رسولی که از مردم و بین آنهاست و با آنها زندگی می‌کند. در بعضی آیات نیز عبارت «والذین معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می‌رساند بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است. معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند. در اولین آیه سوره مجادله می‌خوانیم؛ «قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها» این آیه دلالت دارد که زن عادی می‌تواند به شخص پیامبر دسترسی پیدا کند و مشکلاتی را که با همسرش داشت مطرح نماید این نشانه مردمی بودن آن حضرت است

۱۲- رعایت انصاف در نقد افراد بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی اعتقاد داریم نقاط قوت او را هم بگوییم قرآن کریم با اینکه به برخی از یهودیان به خاطر رباخواری، تحریف تورات ترس از دشمن و ورفاه طلبی انتقادات متعددی دارد، اما بعضی از آنان را به خاطر امانت داری ستایش کرده و فرموده است: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّهُ بِعِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» «بعضی از اهل کتاب تا به اون حد درست کارند که اگر مال بسیاری را به آنها امانت دهی آن را پس می‌دهند»

۱۳- یکی از راه‌های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است محبت، قویترین یا یکی از قویترین ابزارهای تربیتی است. خداوند متعال در خصوص پیامبرش می‌فرماید: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ. «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آنچه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز، و به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

۱۴- معلمی کردن به رشد است یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران هدایت بکند.

امیرالمومنین «ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است. همچنین در کلام دیگر فرمودند «میوه و ثمره علم با زیبایی عمل چیده می‌شود نه با زیبایی گفتار و سخن»

۱۵- شرط قبول عبادات در اسلام طهارت است پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز برای عبادت سفارش شده است. جهاد، پاک کردن جامعه از افراد مفسد است و امر به معروف و نهی از منکر، پاکی جامعه از خلافتکاری است. کسانی که با تدریس و تبلیغ بنای اثرگذاری دارند باید به ظاهر خود برسند همچنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تاثیر تدریس می‌افزاید.

۱۶- در موفقیت هر کاری از جمله تبلیغ و تدریس و تربیت داشتن سابقه نیک و محبوبیت نقش مهمی دارد. چه بسا کلامی از زبان یک فرد خوش نام موثر باشد اما همان کلام از زبان فردی ناشناس نتواند اثر بگذارد. در صورتی که معلم و استاد شناخته شده باشند کمتر مورد انکار قرار می‌گیرند «أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» «یا اینکه پیامبرشان را نشناختند و از سوابق او آگاه نیستند پس برای همین او را انکار می‌کنند؟»

۱۷- از وظایف هر مربی و استاد آن است که واقع‌گرا باشد و نسل نو را نیز واقع‌گرا تربیت کند نه خیال‌گرا، نه غرب‌گرا، نه شرق‌گرا، نه درونگرا، نه برونگرا، و نه فردگرا و نه جمع‌گرا. اشکال دیروز و امروز فردای بشر دوری از واقع‌گرایی و تکیه بر موهومات خیالات، تبلیغات، عناوین، آمار و زرق و برق‌هاست. قرآن کریم که بهترین کتاب تعلیم و تربیت است در آیات متعددی انسان را به واقع‌گرایی دعوت کرده و فرمود «که قهر و مهر خدای تعالی بر اساس واقعیات است نه آرزوها».

۱۸- یکی از دلایل سفارش‌های بسیار اسلام در مورد مسجد اعتقاد داشتن مسلمانان با هم و با خبر بودن از مشکلات یکدیگر است؛ چون مسجد تنها جایی است که همه مردم از کوچک و بزرگ زن و مرد مشغول و گمنام همیشه و در هر شرایطی بدون اجبار و فقط برای خدا در آن جمع می‌شوند و هیچ فرد و صنفی در مسجد امتیازی ندارد.

۱۹- واژه "صف" که به معنای نظم و انضباط است، هفت بار در قرآن آمده است. امام علی (ع) فرمود: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» «شما دو فرزندم و همه فرزندان و خانواده‌ام و تمام کسانی که در طول تاریخ نامه من به آنها می‌رسد را به تقوا و نظم در کارها سفارش می‌نمایم».

همچنین روزی حضرت امام در مسجد سلماسی به شاگردان فرمودند: «اگر می‌خواهی به درس من بیایی با نظم باشی و همگی جلوی در مسجد به هم برسید؛ حتی فاصله منزل تا مسجد را باید حساب کنیم».

۲۰- یکی از کمالات مربی و معلم و استاد حمایت از محرومان است. در طول تاریخ بیشترین یاران و پیروان رسولان الهی، مستضعفان و محرومان بودند و بیشترین سختی رسالت انبیا نیز بر دوش آنان بوده است.

بنابراین مبلغ و مربی باید از آنها حمایت کند و از طرد آنان بپرهیزد؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ» «و کسانی را که بامداد از شامگاه پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که رضای او را می‌طلبند از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده تو نیست و از حساب تو چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمکاران شوی».

۲۱- نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشت‌های تازه و تایید شده توسط صاحبان تجربه و علم است و گرنه صرف نوگرایی بدون پشتیبان تحقیق و تایید علما و دانشمندان ارزشی ندارد.

۲۲- اسلام به طرفداران خود هم غذای فکری می‌دهد (حکمت) و هم غذای روح (موعظه حسنه) و با مخالفان خود نیز برخوردی منطقی دارد (جدال احسن) معلم باید با توجه به ظرفیت و سطح مخاطب روش دعوت را انتخاب نماید.

۲۳- هجرت اختصاص به پیامبر اکرم ندارد بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند برهر مسلمانی لازم است.

هجرت علاوه بر آموختن علم و دانش برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است قرآن بارها به سفرهای علمی و تجربی با دستور «قل سیر فی الارض» سفارش کرده و کسانی را که هجرت نمی‌کنند با جمله «افلم یسیروا» توبیخ نموده است.

۲۴- ارتباط‌های خصوصی و چهره به چهره: یکی از بایدهای معلمی این است که معلم علاوه بر طرح نکات و مباحث عمومی ارتباط‌های دو به دو داشته باشد و از تاثیر ارتباط چهره به چهره غافل نشود. کلاس‌های عمومی خوب است ولی مهم‌تر از آن ارتباط‌های خصوصی است که می‌تواند در تربیت مخاطبین تاثیر ویژه داشته باشد

۲۵- به افرادی که در صدد تحقیق اند فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم در آیه ۶ سوره توبه می‌خوانیم «وإن احد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون» و اگر یکی از مشرکان برای تحقیق از شما و پناه خواست پس به او پناه دهد تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان گروهی ناآگاهند و شاید با شنیدن آیات الهی هدایت شوند.

از این آیه شریفه می‌توان به نکات زیر پی برد:

-راه تفکر و تعقل حتی برای مشرکان مهدورالدم باز است

-حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت

-مکتبی که منطق دارد عجله نمی‌کند

-باید امنیت افراد محقق را تضمین کرد

-کفر برخی از جهلشان سرچشمه می‌گیرد و اگر آگاه شوند حق را می‌پذیرند

۲۶- در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

در قرآن کریم سه نوع تواصی بیان شده است:

-«تواصوا بالحق» در آیه ۳ سوره عصر آمده است در مسیر حق بودن کافی نیست بلکه لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم

-«تواصوا بالصبر» دو بار در قرآن کریم آمده است یک بار در سوره عصر و بعد از آیه تواصوا بالحق و یک بار در آیه ۱۷ سوره بلد که منظور از تواصوا برای کار طرفینی است

-«و تواصوا بالمرحمة» که در برای تاکید است یا برای آن که هر یک از صبر و مرحمت یک تکلیف مستقل هستند و با ترک یکی زمینه دیگری از بین نمی‌رود

۲۷- استادی موفق و محبوب است که انتقاد مصلحانه را بپذیرد چنانکه در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِبِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي وَ مُتَابَعَةِ مَنْ أَرَشَدَنِي» خدایا مرا به اطاعت و پیروی کسی که مرا به راه سداد و صلاح کند و هدایت نمود موفق ساز. مبلغ و معلم باید به انتقادهای گوش دهند زیرا گوش ندادن به حقایق صفت کافران کوردل است «و لهم اذان لا يسمعون بها» آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند.

۲۸- حکمت را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانستند خداوند به بعضی از افراد پاک و با تقوا و پرتلاش عطا می‌کند تا آنان وسوسه پای شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند

بر اساس روایات حکمت همچون نوری است که در جان قرار می‌گیرد و آثار آن در گفتار و رفتار انسان پیدا می‌شود

۲۹- دشمن شناسی: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان هم راز نگیرید آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از دهانشان پیداست و آنچه دلشان در بر دارد بزرگتر است. به تحقیق ما آیات روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید».

در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هوشیار باشید چرا که آنان ذره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کند و با شگردهای گوناگون درصدد ضربه زدن به شما هستند شگردهایی همچون:

-فساد «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا»

-فشار «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»

-نفاق «وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»

۳۰- قالب سازی نه قالب پذیر: اگرچه نظرخواهی و مشورت امر پسندیده‌ای است اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست گاهی بنا به دلایلی نمی‌توان از جمع و محیط تبعیت کرد بلکه لازم است با شهادت قدم برداشت و اقدامی نمود لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد نه قالب پذیر.

۳۱- آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب المثل‌های مخاطبان که از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسان‌تر مفاهیم است مثلاً قرآن کریم «ز قوم» را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است. «ز قوم» گیاه زهرداری که در بادیه‌ها می‌روید و اگر برگشت کنده شود از جای آن شیرهای بیرون می‌آید که به هر جای بدن برسد ورم می‌کند. قرآن در توصیف این درخت می‌فرماید: «طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ» «خوشه‌ها و شکوفه آن مانند سرهای شیطان است» از آنجا که شیطان در فرهنگ مسلمانان به موجودی زشت و بد ذات و خبیث گفته می‌شود در این آیه می‌فرماید: شکوفه‌های درخت «ز قوم» به جای آنکه زیبا و دلبر باشد گویا سرهای شیطان است. همچنین در فرهنگ مردم فرشته مظهر خوبی و کرامت است تا آنجا که زنان مصر در ستایش یوسف گفتند: «ان هذا الا ملک کریم».

بخش دوم: دین و زندگی یازدهم رشته های ریاضی، تجربی و فنی (فقط درس

۱۱ و ۱۲) (خلاصه + نکات)

درس ۱۱

عزت نفس

یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی ها خواهد شد.

عزت و ذلت

عزت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند.

واژه ذلت درست مقابل «عزت قرار دارد و به معنای نفوذ پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزاده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود.

«انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می دهد و هر فرمانی را می پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

راه های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

اگر کالای گران قیمتی، مانند طال داشته باشیم، اما ارزش و قیمت آن را ندانیم، به آسانی فریب می خوریم و آن را به بهای اندک می فروشیم. اما اگر ارزش آن را بدانیم، آن را عزیز می شماریم و به قیمت واقعی می فروشیم و بهایی برابر با ارزش آن به دست می آوریم. از همین رو خداوند جایگاه ما انسان ها را در خلقت بیان می کند و می فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

و خطاب به انسان فرموده:

«ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم».

امام علی (ع) می فرماید:

«همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست،
پس [خود را] به کمتر از آن نفروشید».^۲

إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ
فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

خدایی که خالق تمام هستی است، سرچشمه و منبع همه قدرت ها و عزت هاست. او وجود شکست ناپذیری است که هیچ کس توانایی ایستادن در برابر قدرت او را ندارد بنابراین، هر کس به دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه وصل کند.

امیرالمؤمنین علی در وصف انسان هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته اند، می فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است»

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می شود، بندگی او را می پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسلیم ناپذیر باقی می ماند.

به همین جهت امیرالمؤمنین از ما می خواهد که:

«بنده کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است»

اسوه های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت ترین شرایط، عزت ماندانه زندگی کنند و هیچ گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم هنگامی که در محاصره طاقت فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه و یارانی اندک و فقیر، پشتوانه ای نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، از راه حق دست برنمی دارم و تسلیم نمی شوم».

امام حسین می فرمایند:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است.»

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی گاه با تمایلات و خواسته هایی روبه رو می شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می دهد. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی مقاومت نمی کند و به سرعت تسلیم می شود. جوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی دادن به این تمایلات گاه و بی گاه است. انسانی که در این دوره سنی به سر می برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته های نامشروع در وجود او ریشه دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم، چنین کسی به آسمان نزدیک تر است.

خود عالی و خود دانی

ممکن است بپرسید ریشه این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می تواند راه گشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد. حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول:

تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می کنیم و از آنها لذت می بریم.

دوم:

تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم. انسان ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می شود.

تمایلات بعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا می داند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد. از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجدان یا همان «نفس لواحه» که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی ها وجودمان را فرا بگیرند. دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت می دهد و تسلیم می شود، قدم در وادی ذلت گذاشته و از راه رشد باز می ماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می رود و تسلیم خواسته های آنها هم می شود. بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته های آنان شده است.

درس ۱۲

پیوند مقدس

رسول خدا: «هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست».

خانواده مقدس ترین نهاد و بنای اجتماعی نزد خداست. این نهاد با ازدواج زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل می شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه می کنند و فرزندان را در دامن خود می پرورانند.

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات انس، انسان، بنی آدم و ناس در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی های فطری می توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

در دوره ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا می داشت، در جامعه جاهلی نازل شد.

قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد.

نقش های مکمل

خداوند، زن و مرد را به گونه ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی در کنارهم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هردو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت اند. این تفاوت ها به گونه ای است که هردو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف هریک از زن و مختلف است که خالق حکیم برعهده شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

آمادگی برای ازدواج

انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ

۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده

۳- شناخت معیارها و شاخص های همسر مناسب

۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دوره های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج، حتما عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.

همچنین می خواهد که به هیچ وجه در پی رابطه غیر شرعی چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند، که زیان آن تا قیامت دامن گیر آنان خواهد شد و در نسل های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

توجه به اهداف ازدواج

شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف ها را در نظر بگیریم.

اول. پاسخ به نیاز جنسی:

ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می کشاند.

دوم. انس با همسر:

هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می شود.

سوم. رشد و پرورش فرزندان:

خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنها است. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و از رشد و بالندگی او لذت می برند. کدام افتخار بالاتر از آنکه خداوند تربیت و پرورش چند تن از بندگان خود را به پدر و مادر سپرده است و احترام و اطاعت از والدین را هم ردیف طاعت و عبودیت خود قرار داده است.

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور می کنند، مسئولیت پذیری را تجربه می نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می دهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختی ها و ناگواری های زندگی، به درجات معنوی بالاتری نایل می شوند.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد. داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و درعین حال، مسئولیت آور است. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت و با چشم باز عمل کرد.

این سخن زیبای امام علی مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمَى وَ يُصَمُّ «علاقه شدید به چیزی، آدم را کور و کر می کند».

از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم.

معیارهای همسر شایسته

از نظر قرآن کریم، مهم ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست. هر قدر ایمان یک فرد قوی تر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری نیز که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

رتبه	معیارها	رتبه	معیارها
	اصالت خانوادگی		عادل و فہیم بودن
	اخلاق خوب و خوش رویی		کسب و کار حلال
	پوشش مناسب اسلامی		سلامت جسمی و روانی
	عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف		قناعت در زندگی
	صداقت با همسر		زیبایی و مورد پسند بودن
	انجام عبادات، به خصوص نماز		داشتن دوستان درستکار و سالم

راه های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت هایی که منشأ آن تنها هوس های زودگذر است، اشتباه کرد.

زمان ازدواج

آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی یابد که باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آینده اش برنامه ریزی کند. توجه

به داشتن شغل و پیداکردن کار، فکرکردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ عقلی است.

پیامبر اکرم می فرماید:

«کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا پروا داشته باشد».

ایشان همچنین می فرماید: «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند»

امام صادق نیز می فرماید:

«دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می خواند».

نباید از یاد ببریم که ازدواج برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ گویی به قانون خلقت انجام می شود و شایسته است که به این نیازهای طبیعی در «زمان مناسب» و به «شیوه صحیح» پاسخ دهیم.

◀ نکات مهم دین و زندگی یازدهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی

۱- عزت نفس: یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی ها خواهد شد.

۲- عزت و ذلت: عزت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند.

۳- «انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می دهد و هر فرمانی را می پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند.

۴- قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

(۱) شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

(۲) توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

۵- جهت امیرالمؤمنین از ما می خواهد که:

«بنده کسی مثل خودت نباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است».

۶- هر انسانی، در درون خود، گاه و بی گاه با تمایلات و خواسته هایی روبه رو می شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می دهد. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی مقاومت نمی کند و به سرعت تسلیم می شود.

۷- حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول:

تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می کنیم و از آنها لذت می بریم.

دوم:

تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم. انسان ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می شود.

۸- پیوند مقدس

رسول خدا: «هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست».

۹- شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات انس، انسان، بنی آدم و ناس در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی های فطری می توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

۱۰- جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل: در دوره ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا می داشت، در جامعه جاهلی نازل شد.

۱۱- نقش های مکمل: خداوند، زن و مرد را به گونه ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی در کنارهم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت اند. این تفاوت ها به گونه ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.

۱۲- آمادگی برای ازدواج: انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
- ۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده
- ۳- شناخت معیارها و شاخص های همسر مناسب
- ۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد
- ۱۳- تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دوره های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج، حتما عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.

۱۴- توجه به اهداف ازدواج

اول. پاسخ به نیاز جنسی

دوم. انس با همسر

سوم. رشد و پرورش فرزندان

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی

۱۵- انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

۱۶- راه های شناخت همسر: تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت هایی که منشأ آن تنها هوس های زودگذر است، اشتباه کرد.

۱۷- زمان ازدواج: آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی یابد که باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آینده اش برنامه ریزی کند. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکرکردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ عقلی است.

۱۸- پیامبر اکرم می فرماید: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا پروا داشته باشد».

۱۹- پیامبر اکرم می فرماید: «کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس باید برای نصف دیگر، از خدا پروا داشته باشد».

ایشان همچنین می فرماید: «برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند»

۲۰- امام صادق نیز می فرماید: «دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می خواند».



بخش سوم: دین و زندگی ۱ پایه دهم رشته انسانی کد ۱۱۰۲۰۵ (فقط درس ۹ تا

(۱۴) (خلاصه + نکات)

درس ۹

آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین میشود، موی سر خود را می پوشانند و به حجاب پایبند بودند. است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذتبخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

- ۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است. هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختیها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم های بزرگ میخواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب نشینی وادار می کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی دارند.

اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

بر آنچه (در این مسیر) به تو میرسد صبر کن که این از عزم و اراده در کارهاست

- ۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و میخواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان میبندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم:

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شبهای قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمانهای معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳- مراقبت: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی میفرماید:

گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیمها و کارها میشود. به طور مثال، کسی عهد میبندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۴- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر

معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمانهاست. اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».

از امیرالمؤمنین علی پرسیدند:

زیرکترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت میکند که این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهمتر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریعتر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر را به عنوان الگو معرفی میکند و میفرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است».

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسانهایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان میشود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می شود انسانهای بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه ها و لباسها از این قبیل اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزشهایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت اسوه های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین از پدر گرامی خود نقل میکند که رسول خدا در منزل، اوقات خود را سه قسمت میکرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم میکرد و مردم را به حضور می پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می کرد.

همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟ پاسخ این است که ما او را اسوه پکامل خود قرار میدهیم بوده چون میدانیم که هر کاری که انجام داده، درست و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیکتر کنیم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان میفرماید:

آگاه باش برای هر پیروی کننده ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعا توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش {در راه خدا} و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.

درس ۱۰

اعتماد بر او

پس از آشنایی با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین میشود، لازم است باردیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکمتر و مطمئن تر از گذشته، همانگونه که خدا از ما خواسته است، بپیماییم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می شود آشنا می شویم.

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود مییابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می دهد.

و آن کس که در راه حق به خدا توکل کند، خداوند او را بس است، خداوند امر خویش را به سرانجام میرساند
وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

انسان متوکل میداند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده ای را میبیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم درحالی که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود میدانیم درحالی که به نفع ماست. امام علی در یکی از دعاهاى خویش میگوید:

«خداوندا تو با آنان که به تو بیشتر عشق میورزند، بیش از دیگران انس می گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری، اسرار ایشان را میدانی و بر اندیشه هایشان آگاهی.» ایشان در ادامه می فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبتها بر نان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون میدانند سر رشته کارها به دست توست.»

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدایا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا و را تکیهگاه خود ببیند. اگر اینگونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتا به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بندهای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چارهجویی میکنم، گرچه همه آسمانها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او برخیزند.

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تالش کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانمکاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

روزی، پیامبر اکرم به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.

توکل کنندهای که اهل معرفت باشد، میداند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی توجهی به آنها، بی توجهی به حکمت و علم الهی است.

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم های بزرگ و سرنوشت ساز است. هرچه عمر میگذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشد یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود.

درس ۱۱

دوستی با خدا

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده اند؟ چگونه میتوان دل را به این آذین آراست؟

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیتهایی که آدمیدر طول زندگی انجام میدهد ریشه در دلبستگیها و محبتهای او دارد و همین محبتهاست که به زندگی آدمی جهت میدهد.

ارزش انسان:

امام علی (ع) می فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود.

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیبایی ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگیش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین میبرد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد.

امام صادق می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطهای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می شود.

۱- پیروی از خداوند: نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند.

امام صادق فرمودند:

کسی که از فرمان خدا سرپیچی میکند، او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار میدهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی میکند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

روش های تقویت رابطه دوستی با خدا

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی مسورزد، دوست دارد.

خداوند، رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند، کسی که جوانیاش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.

۲- دوستی با دوستان خدا: اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این عاقله بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزونتر میشود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان میباشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آنکس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است. حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند. امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملتها را زیر پا میگذارند و آنان را از حقوقشان محروم میکنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

پس دینداری بر دو پایه استوار است:

توّلّی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبرّی (بی زاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیقتر است.

یاری از نماز و روزه

خداوند در آیات مختلفی، فایده‌های نماز و روزه را بیان فرموده است:

۱- یاد خدا، ۲- دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

تقوا

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز بهپا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده میکند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند.

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتیها و منکرات است؟»
امام صادق می‌فرماید:

«هرکس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»
اگر نماز را کوچک بشماریم...

اگر نماز را کوچک بشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد.

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.

اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرتهای دیگر در نظرممان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام میدهم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

برخی از نجاسات عبارتند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

خدا می فرماید:

ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ بهراستی شراب و قمار و بتپرستی و تیرکهای بخت آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان میخواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نمیشود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد».

روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدفهای بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هرقدر هدف بزرگتر باشد، تقوای بیشتری می طلبد.

احکام روزه

۹ چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از:

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

- ۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.
- ۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد.
- ۵- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلا دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع ر او واجب میشود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد.
- وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می‌رود، اگر شرطهای زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:
- (الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی - حدود ۵/۲۲ کیلومتر- و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.
- (ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که میخواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌هاش را هم بگیرد.
- (ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد.

درس ۱۳

فضیلت آراستگی

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

پیامبر می فرماید: خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می رود، آماده و آراسته باشد.

امام صادق فرمود:

در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند. همچنین ایشان میفرمود:

خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می آید.

و نیز می فرمود: دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

در کنار این توصیه ها و سفارش هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان میشد، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش های جداگانه ای می کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر به مردان می فرمود:

سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می افزاید.

پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش میکرد اما به زنان توصیه میکرد:

ناخنهای خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است.

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروری ها و کندروی ها کنترل می کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانهروی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از عالیق و نیازهای درونی بهگونهای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروری میشوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی میکنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

همچنین یک انسان عفیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش تر از آن میدانند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوسرانی دیگران پایین آورد. امام علی می فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار میشوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی».

و امام صادق نیز میفرماید:

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران رزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است.

درس ۱۴

زیبایی پوشیدگی

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟ خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورآلت نباید به گونهای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌های تنظیم کنند که عالوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشانند.

امام کاظم در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود: «چهره و دست تا مچ».

آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می شود؟

۱- خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص میکند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی شود، بلکه سبب میشود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند.

۲- آنکه ادعای خانه نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می آیند، میستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب را در حال چوپانی و آبدادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می زند. تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر، در پشت جبهه های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان میدهد.

آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟ ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده اند و آن را لازمه دینداری شمرده اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می پوشاندند و به حجاب پایبند بودند.

◀ نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم انسانی

۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است، هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است.

۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری را که همان قرب وس نزدیک شدن به خداست، شناخته و میخواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان میبندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

۳- مراقبت: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال میآورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

۴- امام علی میفرماید:

گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیمها و کارها میشود. به طور مثال، کسی عهد میبندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۵- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمانهاست. اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم.

۶- پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده اند، بسیار ضروری است.

۷- حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود مییابد و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می دهد.

۸- امام علی در یکی از دعاها میگوید:

«خداوند تو با آنان که به تو بیشتر عشق میورزند، بیش از دیگران انس می گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری، اسرار ایشان را میدانی و بر اندیشه هایشان آگاهی.»

ایشان در ادامه می فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبتها بر نان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون میدانند سر رشته کارها به دست توست.»

۹- شرایط توکل حقیقی

۱) توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدایا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا و را تکیهگاه خود ببیند. اگر اینگونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتا به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بندهای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چارهجویی میکنم، گرچه همه آسمانها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او برخیزند.

۲) توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تالش کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانمکاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

۱۰- دوستی با خدا: آرامش، درک ارزش انسان،

۱۱- ارزش انسان:

امام علی (ع) می فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود.

۱۲- امام صادق می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

۱۳- آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطهای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می شود.

(۱) پیروی از خداوند: نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند.

۱۴- روش های تقویت رابطه دوستی با خدا

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی مسرزد، دوست دارد.

خداوند، رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند، کسی که جوانیاش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.

۱۵- دوستی با دوستان خدا: اگر میخواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این عاقله بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزونتر میشود.

۱۶- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آنکس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

۱۷- دینداری بر دو پایه استوار است:

توّلّی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری ی (بی زاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیقتر است.

۱۸- یاری از نماز و روزه

خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است:

(۱) یاد خدا،

(۲) دوری از گناه.

۱۹- مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده است.

۲۰- نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز بهپا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده میکند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند.

با این حال، برخی می گویند: «ما نماز میخوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمیداریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتیها و منکرات است؟»

۲۱- امام صادق میفرماید:

«هرکس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»

اگر نماز را کوچک نشماریم...

۲۲- برخی از نجاسات عبارتند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

۲۳- اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

۲- غیبت کردن

۲۴- نه ۹ چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از:

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲۵- آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

۲۶- ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی میشوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی میکنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

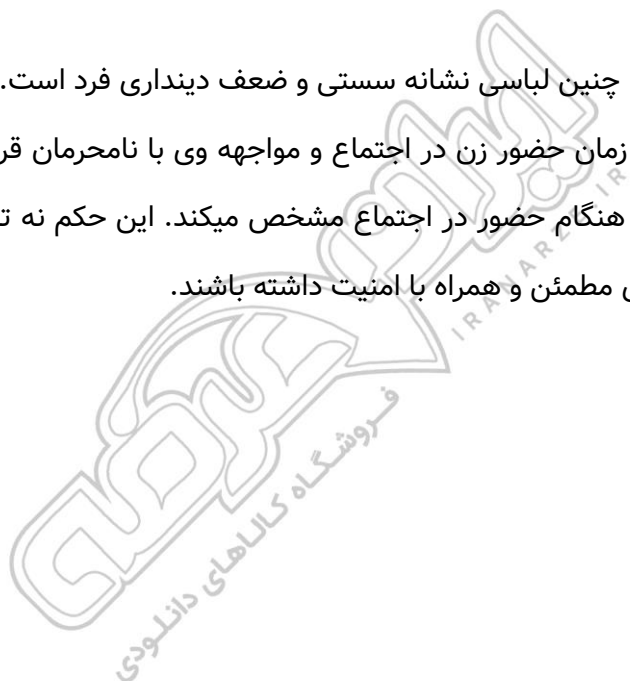
۲۷- امام علی می فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار میشوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی».

و امام صادق نیز میفرماید:

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

۲۸- خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرم قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص میکند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی شود، بلکه سبب میشود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند.



بخش چهارم: دین و زندگی ۱ پایه دهم رشته ریاضی، تجربی و فنی کد ۱۱۰۲۰۴

(فقط درس ۸ تا ۱۲) (خلاصه + نکات)

درس هشتم: آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم: برای آنکه در این برنامه ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

اقدامات لازم برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه

۱. تصمیم و عزم برای حرکت:

عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است. هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختیها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم های بزرگ میخواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمیآورند و مشکلات راه، آنان را به عقب نشینی وادار می کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمیدارند

بر آنچه (در این مسیر) به تو می رسد صبر کن

که این از عزم و اراده در کارهاست.^۱

وَ اصْبِرْ عَلَى مَا اَصَابَكَ

اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ

۲. عهد بستن با خدا:

کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

پیشنهادهای در مورد عهد با خدا

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم.

بعد از نماز، شب های قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳ مراقبت:

باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال میآورد؛ عهدي که ابتدا بسته میشود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند. امام علی می فرماید: گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها میشود. به طور مثال، کسی عهد می بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۴ محاسبه و ارزیابی:

بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، بهدست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست. اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا

"به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند".

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمانهای محاسبه سالانه، شبهای قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی پرسیدند:

زیرک ترین انسان کیست؟ فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت میکند که این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً میتوان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهمتر اینکه میتوان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریعتر به هدف رسید.

از اینرو قرآن کریم، پیامبر (ص) را به عنوان الگو معرفی میکند و میفرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است»

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسانهایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان میشود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان میفرماید:

آگاه باش برای هر پیروی کننده ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعا توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش {در راه خدا} و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.

دوستی با خدا

«بارالها! خوب میدانم هر کس لذت دوستیات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس با تو انس گیرد، لحظه ای از تو رویگردان نشود، بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دلبستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدمی جهت می دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیقتر و گسترده تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار میدهد. کسی که مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق شیفته خود را دانشمند یا هنرمندی قرار میدهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می سازد.

معیار ارزش واقعی انسان از نظر اندیشمندان

ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟

علی (ع) میفرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور میشود.

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیباییها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر میشود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و

یأس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد. محبت الهی، تنبل را چالاک و زرنک، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور میکند و سرانجام آدمیرا از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی میرساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا میکند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

امام صادق میفرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگیهای مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا میداند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا
و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا
می گیرند

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ
آنان را دوست می دارند مانند دوستی خدا

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ
اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت
بیشتری دارند.^۲

آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه ای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز میشود.

۱ پیروی از خداوند:

نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است.

برخی میگویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام میکند: بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

امام صادق فرمودند:

ما احب الله من عساه: کسی که از فرمان خدا سرپیچی میکند، او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی میکند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

۲ دوستی با دوستان خدا:

اگر میخواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون تر میشود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان میباشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

۳ بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان:

عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بودهاند. همه پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمیشود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند. امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملتها را زیر پا میگذارند و آنان را از حقوق شان محروم میکنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیقتر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است.

امام خمینی برمبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان اینگونه سفارش میکنند:

«باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».

درس دهم

یاری از نماز و روز

خدای مهربان برای زندگی ما انسانها برنامه ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان میتواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از اینرو، خدای متعال برخی از فایده های مهمترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است.

خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارتند از:

۱ یاد خدا

۲ دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

تقوا

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیرمؤمنان علی بیان فرموده است، ذکر میکنیم. ایشان میفرماید: مثل انسانهای بی تقوا مثل سوارکارانی است که سوار بر اسبهای چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته اند؛ به بالا و پایین میپرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می افکنند و اما مثل آدم های باتقوا، مثل سوارکارانی است که بر اسب های رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند."

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت میرسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

این لجام گسیختگی و سرکشی در انسان بی تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟ "تقوا" به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان باتقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت میکند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمیگذارد نفس با سرکشی او را در دره های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می کوشد روزه روز به روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی ننگه دارد.

اکنون این سؤال پیش میآید که چگونه تقوا را در خود به وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب میشود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم میفرماید:

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ
 إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
 وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و نماز را برپا دار،
 که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد
 و قطعاً یاد خدا بالاتر است،
 و خدا می‌داند چه می‌کنید.^۱

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی‌ها و منکرات است؟»
 شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد
 امام صادق می‌فرماید:

«هرکس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»
 نتیجه اینکه:

اگر می‌بینیم که با خواندن نماز در حال دور شدن از گناهان هستیم، معلوم می‌شود نمازمان مورد قبول خدا قرار گرفته و اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جستجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.
 اگر نماز را کوچک بشماریم.

اگر نماز را کوچک بشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. از اینرو: اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد. اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگیهای ظاهری ما کمتر خواهد شد. اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد. اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرتهای دیگر در نظرممان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.
 برخی از نجاسات عبارتند از:

- ۱) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۲ و ۳) ادرار و مدفوع انسان و حیوانهای حرامگوشتی که خون جهنده دارند.
- ۴) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۵ و ۶) سگ و خوک، زنده و مرده
- ۷) کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸) شراب و هر مایع مستیآور، نجس است.

اعمالی که تأثیر نماز را از بین میبرند:

توجه کنیم که برخی کارها اثر نماز را از بین میبرند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

۱) ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند

نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست»

۲) غیبت کردن

پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر اینکه فرد غیبت

شده، او را ببخشد»

روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هرقدر هدف بزرگتر باشد، تقوای بیشتری می طلبد.

روانشناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. خداوند، انسان را به عملی راهنمایی میکند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا میکند که میتواند موانع درونی را کنار بزند و گامهای موفقیت به سوی برترین هدفهای زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، "روزه" است. روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی ها بازدارد؛ خوشرفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود میرسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال باتقواتر میشود. چنین فردی کمکم به جایی می رسد که احساس میکند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمیکند.

ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما مقرر شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود باشد که تقوا پیشه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لعلكم تتقون

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲ کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمدا تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمدا تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳ اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد تقریباً ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴ اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد.

۵ اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هرکدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

(الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی حدود ۵/۲۲ کیلومتر و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

(ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.

(ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

درس یازدهم

فضیلت آراستگی

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، مرتب بودن وضع ظاهر و توجه سن خلق، سخاوت، مهربانی و ... است و آراستگی ظاهری که نتیجه ح به نظافت و زیبایی آن است. انسان به طور طبیعی به آراستگی عاقله دارد

و میکوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می کنند و همنشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت میبرند. پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش میکردند یعنی آراسته به زیبایی های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت میکردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می دانستند.

پیامبر همواره خود را معطر میکرد و سپس در جمع حاضر میشد یا به نماز می ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و پرهیز از دنیا، امام صادق را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جد شما اینگونه لباسها را نمی پوشید. امام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.

پیامبر به مردان میفرمود: سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما میافزاید. پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش میکرد اما به زنان توصیه میکرد ناخن های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب میشود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد.

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروری ها و کندروری ها کنترل میکند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانهروی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از عالیق و نیازهای درونی بهگونه ای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروری می شوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی می کنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبرج می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

امام علی میفرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی»

زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه ناهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه میآورد؛ همانطور که اگر کسی به نعمت علم زیبنده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستمپیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد.

درس دوازدهم

زیبایی پوشیدگی

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:

(الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامن خود را از گناه نکه دارند.

(ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامن خود را از گناه حفظ نمایند.

(ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

(د) زنان باید پوشش خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

مثلا امام کاظم در جواب برادرش که پرسید: "دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟" فرمود: "چهره و دست تا مچ"

همچنین از قرآن کریم به دست میآوریم که: این گونه پوشش سبب میشود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد ببینند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند:

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ	ای پیامبر،
قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ	به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ	پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند
ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ	این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند
فَلَا يُؤْذَيْنَ	و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. ^۱

آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟ میدانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هرکدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هرکدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملتها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزشهای اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است. زنان نیز موظفند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

۱ تمام بدن خود را، به جز صورت و دستها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲ پوشش آنان نباید نازک، چسبان و تحریک کننده باشد.

آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده اند و آن را لازمه دینداری شمرده اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را میپوشانند و در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح می کوشند مانند حضرت مریم موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند.

نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم تجربی، ریاضی و فنی

۱- اقدامات لازم برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه

(۱) تصمیم و عزم برای حرکت (۲) عهد بستن با خدا

(۳) مراقبت (۴) محاسبه و ارزیابی

۲- پیشنهاداتی در مورد عهد با خدا

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم.

بعد از نماز، شب های قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمان های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود: حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا: «به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».

۴- از امیرالمؤمنین علی پرسیدند: زیرک ترین انسان کیست؟ فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

۵- نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دلبستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدمی جهت می دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیقتر و گسترده تر است

۶- علی (ع) میفرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

۷- دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیقتر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است.

۸- امام خمینی برمبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان اینگونه سفارش میکنند:

«باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند».

۹- خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارتند از:

(۱) یاد خدا

(۲) دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

۱۰- «تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان باتقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت میکند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمیگذارد نفس با سرکشی او را در دره های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می کوشد روزه روز به روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی ننگه دارد.

۱۱- قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

۱۲- امام صادق میفرماید: «هرکس میخواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»

۱۳- برخی از نجاسات عبارتند از:

(۱) خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳) ادرار و مدفوع انسان و حیوانات حرامگوشتی که خون جهنده دارند.

(۴) مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶) سگ و خوک، زنده و مرده

(۷) کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

(۸) شراب و هر مایع مستیآور، نجس است.

۱۴- برخی کارها اثر نماز را از بین میبرند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

۱) ناراحت کردن پدر و مادر: امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».

۲) غیبت کردن: پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد».

۱۵- نه چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۱۶- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمدا تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمدا تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۱۷- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد تقریباً ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۱۸- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد، باید هم قضای آن را بهجا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد.

۱۹- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

۲۰- وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی حدود ۵/۲۲ کیلومتر و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که میخواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد. اگر فرزند با نهدی پدر و مادر به سفری بروند که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

۲۱- آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، مرتب بودن وضع ظاهر و توجه سن خلق، سخاوت، مهربانی و ... است و آراستگی ظاهری که نتیجه ح به نظافت و زیبایی آن است.

۲۲- عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروی ها و کند روی ها کنترل میکند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از علایق و نیازهای درونی به گونه ای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

۲۳- ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می شوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی می کنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبرج می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

۲۴- گرچه عفاف، خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه نا اهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می آورد؛ همانطور که اگر کسی به نعمت علم زبیده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوس رانان قرار گیرد.

۲۵- آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟ خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:

- الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.
- ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.
- ج) استفاده از زینت و زیور آلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.
- د) زنان باید پوشش خود را به گونه ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

بخش پنجم: دین و زندگی یازدهم رشته انسانی (فقط درس ۱۶ الی ۱۸) (خلاصه)

+ نکات

درس ۱۶

عزت نفس

یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است. معصومین بزرگوار این صفت را از ارکان فضایل اخلاقی دانسته اند که اگر در وجود ما شکل بگیرد، مانع بسیاری از زشتی ها خواهد شد.

عزت و ذلت

عزت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند.

واژه ذلت درست مقابل "عزت" قرار دارد و به معنای نفوذ پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود.

بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود. او زیر بار عملی که روحش را آزرده کند و او را حقیر و کوچک سازد، نمی رود. «انسان ذلیل» نیز کسی است که در برابر مستکبران و زورگویان تن به خواری می دهد و هر فرمانی را می پذیرد؛ همچنین تسلیم هوی و هوس خویش می شود و هر کاری را که موافق هوی و هوس او باشد انجام می دهد، هر چند که آن کار روحش را به گناه آلوده کند. (منبع ایران عرضه)

آیاتی در باب راه های دستیابی به عزت

۱- مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا...^۲
 هرکس عزت می خواهد [بداند] که هرچه عزت است، از آن خداست.
 ۲- لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ^۳
 برای کسانی که نیکوکاری پیشه کردند، پاداشی نیک و چیزی افزون تر است و بر چهره آنان غبارخواری و ذلت نمی نشیند.

راه های تقویت عزت

قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

خداوند جایگاه ما انسان ها را در خلقت بیان می کند و می فرماید: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

و خطاب به انسان فرموده:

"ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم".

امام علی (ع) می فرماید:

"همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست پس به کمتر از آن نفروشید"

إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

امیرالمؤمنین علی در وصف انسان هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته اند، می فرماید:

«خالق جهان در نظر آنان بزرگ است. از این جهت، غیر خدا در نظرشان کوچک است.».

وقتی که انسان به چنین شناخت و ایمانی رسید، به طور طبیعی تسلیم خدا می شود، بندگی او را می پذیرد و در مقابل غیرخدا عزیز و تسلیم ناپذیر باقی می ماند.

اسوه های عزت در برابر ستمگران

پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت ترین شرایط، عزت مندانه زندگی کنند و هیچ گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

برای مثال، پیامبر اکرم هنگامی که در محاصره طاقت فرسای مشرکان مکه بود و جز حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه و یارانی اندک و فقیر، پشتوانه ای نداشت، به بزرگان مکه که به او وعده ثروت و قدرت و ریاست بر این شهر را می دادند، فرمود: «اگر اینان خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند، از راه حق دست برنمی دارم و تسلیم نمی شوم».

نوه گرامی وی امام حسین می فرمایند:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است.»

حضرت زینب، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها میتواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله حقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت:

دیدی خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

تمرین ایستادگی در برابر تمایلات پست

هر انسانی، در درون خود، گاه و بی گاه با تمایلات و خواسته هایی روبه رو می شود، که پاسخ مثبت دادن به آنها، عزت نفس را ضعیف می کند و انسان را به سوی خواری و ذلت سوق می دهد. حال اگر این پاسخگویی ادامه یابد، خواری و ذلت انسان را احاطه می کند، به طوری که در برابر هر خواست نامشروع درونی و بیرونی مقاومت نمی کند و به سرعت تسلیم می شود.



برای پاسخ منفی دادن به
انسانی که در این دوره سنی

نوجوانی و جوانی بهترین زمان
این تمایلات گاه و بی گاه است.

به سر می برد، هنوز به گناه عادت نکرده و خواسته های نامشروع در وجود او ریشه دار نشده است و به تعبیر پیامبر اکرم، چنین کسی به آسمان نزدیک تر است. یعنی گرایش به خوبیها در او قویتر است. بنابراین نوجوان و جوان، بهتر از هر آدمی میتواند ایستادگی در برابر تمایلات منفی را تمرین کند و عزت نفس خود را تقویت کند.

خود عالی و خود دانی

ممکن است بپرسید ریشه این سؤال مناسبی است که پاسخ آن می تواند راه گشای ما برای رسیدن به عزت و دوری از ذلت باشد. حقیقت این است که انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول:

تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند. ما با رسیدن به این تمایلات احساس موفقیت و کمال می کنیم و از آنها لذت می بریم.

دوم:

تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم. انسان ها به طور طبیعی به این قبیل امور میل دارند و علاقه نشان می دهند، زیرا اینها لازمه زندگی در دنیا هستند و بدون آنها یا نمی توان زندگی کرد یا زندگی سخت و مشکل می شود.

تمایلات بعد حیوانی در ذات خود بد نیستند، اما نسبت به بعد معنوی و الهی، بسیار ناچیز و پایین ترند و قابل مقایسه با آن تمایلات نیستند.

پس چه موقع این تمایلات بد می شوند؟

آنگاه که انسان، این تمایلات را اصل و اساس زندگی قرار دهد و فقط در فکر رسیدن به آنها باشد و از تمایلات الهی خود غافل بماند. حد و مرز توجه به این تمایلات را خدا میداند و خداوند با احکام خود چگونگی بهره‌مندی از این تمایلات را مشخص کرده تا انسان بتواند در عین بهره‌مندی از آنها، به رشد و کمال واقعی خود برسد. از این رو هر انسانی در درون خود با دو دعوت روبه روست: دعوت عقل و وجدان یا همان نفس لوامه «که از ما می خواهد در حد نیاز به تمایلات فروتر پاسخ دهیم و فرصتی فراهم کنیم که تمایلات معنوی و الهی در ما پرورش پیدا کند و آن زیبایی ها وجودمان را فرا بگیرند.

دعوت دیگر، دعوت هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت میدهد و تسلیم می شود، قدم در مسیر ذلت گذاشته و از راه رشد باز میماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می رود و تسلیم خواسته های آنها هم میشود. بنابراین، کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و تسلیم شده و سپس مغلوب زورگویان و قدرتمندان گردیده و تسلیم خواسته های آنان شده است.

درس ۱۷

زمینه های پیوند

خانواده مقدس ترین بنای اجتماعی نزد خداست. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل میشود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه میکنند و فرزندان را در دامن خود می پرورانند.

آیاتی در باب همسرگزینی در قرآن و تشکیل خانواده:

۱- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
و از نشانه های خدا آن است که همسرانی از {نوع} خودتان برای شما آفرید تا با آنها آرامش یابید و میان شما "دوستی" و "رحمت" قرارداد. همانا در این مورد، نشانه هایی است برای کسانی که تفکر میکنند.

۲- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَا فَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و خداوند برای شما همسرانی از {نوع} خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می آورند و به نعمت الهی کفران میورزند؟

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمات انس، انسان، بنی آدم و ناس در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر آیه ای که با این کلمات همراه باشد، به زن و مرد، هر دو مربوط می شود؛ زیرا حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد و روح انسان نه مذکر است و نه مؤنث. زنان و مردان به عنوان افراد نوع بشر، استعدادها و ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با بهره گرفتن از آن ویژگی های فطری می توانند به آن هدف مشترک، یعنی قرب الهی و بهشت جاوید برسند.

جایگاه زن در قرآن و مقایسه آن با تورات و انجیل

قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد.

در دوره ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم نازل شد، بیشتر مردم، مرد را در خلقت برتر از زن می شمردند این موضوع، در داستان خلقت آدم و حوا و زندگی آنها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد. اما قرآن کریم، در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن رومی داشت، در جامعه جاهلی نازل شد.

بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد.

قرآن کریم در همان عصری که غرب بدترین خشونت ها و تحقیرها را علیه زن روا میداشت، جاهلی نازل شد. جامعه ای که برخی از آنان داشتن دختر را ننگ میدانستند و رفتاری خشن و قهرآمیز با زنان و دختران داشتند. اما قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد. قرآن کریم، در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی دهد. (تالیف توسط سایت ایران عرضه) خداوند انسانها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچکدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.

نقش های مکمل

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف هریک از زن و مختلفی است که خالق حکیم برعهده شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

خداوند، زن و مرد را به گونه ای آفریده که زوج یکدیگر باشند، یعنی در کنارهم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند. زن و مرد اگرچه در ویژگی های انسانی باهم مشترک هستند و خداوند برای هردو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن»، یعنی از نظر خصوصیات جسمی باهم متفاوت اند. این تفاوت ها به گونه ای است که هردو را به هم نیازمند کرده است؛ بدون اینکه یکی بر دیگری برتری داشته باشد. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست و هر انسانی می تواند آن را در وجود خود پرورش دهد.

تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف مختلفی است که خالق حکیم بر عهده هریک از زن و شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقشهای خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

مهمترین عامل پایداری خانواده، درک درست از زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک است. اگر همسران از این موضوع غافل باشند، به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه میشوند و با پیش آمدن کوچکترین تنش از هم جدا میشوند. اما اگر درک متقابل از نیازهای متفاوت یکدیگر داشته باشند، با آرامش در کنار یکدیگر زندگی میکنند و به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر میشوند و کاستی ها و نقصهای یکدیگر را میپوشانند.

از این رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، با آموزش نزد معلمان و مربیان مورد اعتماد و کتابهای مناسب، به درک درستی از مطالعه ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد. پس آموزش قبل از ازدواج، یکی از کلیدهای موفقیت در زندگی خانوادگی است.



تشکیل شده است:

امروزه، جامعه ما از سه دسته خانواده

۱- خانواده های سنتی:

این خانواده ها که باورها و اعتقادات دینی خود را با برخی از آداب و سنت های محلی ترکیب کرده اند، از قدیم الایام وجود داشته اند. این خانواده ها، امتیازات و معایبی دارند.

یکی از امتیازات آنها این است که با استفاده از تجربه های فراوان، به سنت هایی رسیده اند که می دانند چگونه با هم زندگی کنند و روزگار را بگذرانند. به همین جهت، نوعی آرامش روانی بر این خانواده ها حاکم است.

یکی از معایب آنها این است که گاه میان آموزه های اسلام و سنت ها خود فرق نمی گذارند و آن سنت ها را آموزه های دین تلقی میکنند و اگر کسی با آن آموزه ها مخالفت کند، به حساب مخالفت با دین میگذارند.

۲- خانواده های مخالف سنت:

این قبیل خانواده ها که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی خلاف هستند، می کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت ها فاصله بگیرند زندگی مدرن و جدیدی بسازند. این گروه از خانواده ها با دو مشکل اساسی روبه رو هستند: اول: نمی توانند بین سنت های غلط جامعه خود با آموزه های اسلام تفکیک قائل شوند و به همین جهت، هر سنت قدیم را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد میکنند و انکار می نمایند. در نتیجه اندک اندک از اسلام فاصله میگیرند و به گناه آلوده می شوند.

دوم: از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب که از طریق رسانه ها یا مسافرت ها بیان می شود، اطلاع دارند و از لایه های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی و سردی روابط اعضای خانواده با یکدیگر، عادت به طلاق، سپردن اطفال به نهادهای عمومی، گسترش روابط نامشروع، افزایش خانواده تک سرپرست، کمتر مطلع می شوند و اگر به برخی از این افراد عواقب زندگی خانوادگی در غرب گفته شود، در پاسخ میگویند که در برخی از این امور، مانند طلاق، جامعه ما هم دارد به همان سمت کشیده میشود و به این موضوع توجه نمی کنند که افزایش طلاق، بیشتر در همان گروه هایی است که با زندگی سنتی مخالفند و زندگی شبه غربی دارند و این افزایش محصول پیروی از زندگی غربی است. البته عواملی مانند فقر یا بیکاری هم از عوامل طلاقند که به این بحث مربوط نمی شود.

اینگونه خانواده ها می کوشند راهنمایی های اسلام را از سنت های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت های جامعه استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد. این قشر از جامعه، به دلیل یک حرکت عالمانه که همراه با مطالعه و فکر و اندیشه است، معمولاً خانواده های موفق تری دارند و آرامش خانوادگی آنان، خیلی بیشتر از خانواده های دسته دوم است و جدایی و طلاق، کمتر در این خانواده ها اتفاق می افتد.

آمادگی برای ازدواج

انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
- ۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده
- ۳- شناخت معیار ها و شاخص های همسر مناسب
- ۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

تقویت عفاف و پاکدامنی

دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دوره های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. اگر نوجوان و جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذرانند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندانش بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج، حتما عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.

همچنین می خواهد که به هیچ وجه در پی رابطه غیر شرعی چه پنهان و چه آشکار با جنس مخالف نباشند، که زیان آن تا قیامت دامن گیر آنان خواهد شد و در نسل های آنان تأثیر بدی خواهد گذاشت.

در این مسیر، پیشگیری، بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترشدهندگان فساد و فحشا از خرین دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره می برند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه های نزدیکی به گناه را ببندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم.

اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

- ۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب،
 - یا حضور در مجالس گناه آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛
 - ۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بند و بار؛
 - ۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛
 - ۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری ها و سخنرانی های پر محتوا؛
 - ۵ - مشغول بودن به کارهای ضروری، مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، پرداختن به کارهای فنی و هنری، همکاری در بسیج، کانونهای فرهنگی و بنیادهای خیریه؛
 - ۶- رعایت جنبه های حلال و حرام در ارتباط با جنس مخالف سیره و رفتار پیامبر اکرم ، حضرت فاطمه و امامان
 - ۷- خواندن داستانهایی درباره بزرگوار و کسانی که پیرو آنان بوده اند، همچون شهدای دفاع مقدس؛
 - ۸ - توجه به نصیحت ها و خیرخواهی های پدر و مادر
- توجه به اهداف ازدواج
- شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله از زندگی شویم. البته برای تشکیل خانواده در متون دینی اهدافی ذکر شده است که بعضی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم. خوب است که ما نیز در بحث ازدواج همین هدف ها را در نظر بگیریم.
- اول. پاسخ به نیاز جنسی:
- ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می کشاند.
- دوم. انس با همسر:
- هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند اما بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با بودن در کنار همسر برطرف می شود.
- برخی از ازدواج های ناموفق هم، ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش بخش از خود نشان نمیدهد. تجربه های روانشناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد آرامش بیشتر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.
- سوم. رشد و پرورش فرزندان:
- خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمیتواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و از رشد و بالندگی او لذت میبرند.

انسان به رشد و تکامل اخلاقی نیاز دارد و خانواده، بستر مناسب آن است. پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور میکنند، مسئولیت پذیری را تجربه می نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش میدهند، با گذشت و مدارا و تحمل سختیها و ناگواریهای زندگی، به درجات معنوی بالاتری نائل میشوند.

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشید که هم به جدایی منجر نشود و هم آرامش و خوشبختی را به دنبال داشته باشد، لازم است که در تشکیل خانواده به هر چهار هدف توجه کنید و هدف چهارم را در مرتبه برتر قرار دهید. به طور مثال، اگر فقط هدف اول را دنبال کنید و برای سه هدف دیگر تالش نکنید، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می شوند و دوری روحی و روانی یا همان طلاق عاطفی زندگی را خسته کننده می کند. اما اگر به چهار هدف توجه داشته باشید، به زودی محیطی آرامش بخش و سرشار از نشاط و لذت پدید خواهد آمد و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت در کنار هم زندگی خواهند کرد.

چند نکته در مورد تربیت فرزند

۱. «بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می کنند، اشتباه می کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده اند. اسلام، این را اجازه نمی دهد».

۲. همانطور که پایداری بنیاد خانواده، سبب کم شدن فساد در جامعه می شود، ازدیاد فساد سالم نیز سبب سست شدن این بنیان می گردد. از این رو، هریک از ما که آرزومند داشتن خانواده و فرزندان سالم هستیم، باید به کمکردن فساد اجتماعی کمک کنیم. کسی که در سنین جوانی، به چارچوب های دین در ارتباط با جنس مخالف توجه نکرده و مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی برای فرزندانش داشته باشد. شیطان، جوانی امری عادی است با فریب کاری تمام به برخی جوانان چنین القا میکند که بی بند و باری دوره و پس از ازدواج میتوانی از این بی بند و باری دور شوی. وقتی این جوان از جوانی دور شد و تشکیل خانواده داد، جوانان دیگری می آیند که آنها نیز ممکن است همان روش او را تکرار کنند.

قرآن کریم از روش تأسف ار کسانی خبر میدهد که وقتی فریب شیطان را میخورند و به لباس بدن نما و فساد روی می آورند به توجیه کار خود بر می خیزند و می گویند دیگران هم چنین می کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می پرسد: «آیا چیزی به خدا می بندید که اصلاً بدان علم ندارید؟» سپس با تأکید فراوان می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو: خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.

درس ۱۸: انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح میشود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد. داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌آور است. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید بر شور و احساس جوانی تسلط کامل داشت و با چشم باز، عمل کرد. همواره دیده ایم که علاقه و محبت به یک شخص، چشم و گوش را میبندد و عقل را به حاشیه میراند. از اینرو، پیشوایان دین از ما خواسته اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم.

لطافت‌های روحی دختر، آنگاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار میگیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیتها را به دنبال دارد، علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیشقدم نمیشوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت میگیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگیهای پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی مل تصمیم گیری کند. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه دارد و نیز تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد دارد، میتواند همانند باغبانی دلسوز و کاردان از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.

معیارهای همسر شایسته

از نظر قرآن کریم، مهمترین معیار همسر شایسته، باایمان بودن اوست. هر قدر ایمان یک فرد قویتر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است. البته معیارهای دیگری نیز که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از:

معیارها	معیارها
عادل و فہیم بودن	اصالت خانوادگی
سلامت جسمی و روانی	پوشش مناسب اسلامی
قناعت در زندگی	عدم ارتباط غیر شرعی با جنس مخالف
کسب و کار حلال	صداقت با ہمسر
زیبایی و مورد پسند بودن	اخلاق خوب و خوش رویی
داشتن دوستان درستکار و سالم	انجام عبادات، بہ خصوص نماز

زمان ازدواج

آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری کہ مدتی پس از بلوغ جنسی فرا میرسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمییابد کہ باید زندگی را بسیار جدی بگیرد و برای آیندہ اش برنامه ریزی کند. توجہ بہ داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگیہای ہمسر، تنظیم خرج و ہزینہ خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانہ ہای بلوغ عقلی است. نباید فاصلہ میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانوادہ بہ تاخیر افتد. بہ ہمین علت، پیشوایان ما ہموارہ دختران و پسران را بہ ازدواج تشویق و ترغیب کردہ و از پدران و مادران خواستہ اند کہ با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم را برای آنان فراهم کنند و بہ خاطر پندارہای باطل همچون فراہم شدن ہمہ امکانات زندگی، فرزندان خود را بہ گناہ نکشانند و جامعہ را گرفتار آسیب نسازند.

اما صادق می فرماید: "دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از ہفتاد رکعت نمازی است کہ شخص مجرد میخواند".
 همچنین اگر فردی بخواہد بہ شیوہ ای غیر از شیوہ ہای مطرح شدہ از سوی دین، یعنی بہ "شیوہ" ناصحیح بہ نیاز جنسی خود پاسخ دہد، درآنصورت، لذت آنی برخاستہ از گناہ، پس از چندی، روح و روان فرد را پژمردہ میکند و شخصیت او را میشکند. اینگونہ اشخاص، بہ جای بازگشت بہ مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی بہ افراط در گناہ کشیدہ میشوند؛ اما نمیدانند کہ روحشان مانند تشنہ ای است کہ ہرچہ بیشتر از آب شور دریا مینوشد، بر تشنگی اش افزودہ میشود و بیقراری اش شدت مییابد.

مشکلات پیش رو

اولین سؤالی کہ در زمینہ ازدواج بہ ذہن جوان خطور میکند این است کہ با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونہ میتواند ازدواج کند؟! چارہ اندیشی در این مورد بہ بخشہای مختلفی از جامعہ مربوط میشود. آنها باید با برنامه ریزی صحیح، بہ تدریج از شمار مشکلات بکاہند و امکان ازدواج بہ موقع جوانان را فراہم آورند. برخی از این مشکلات عبارتاند از:

۱- ہزینہ بالای مسکن

۲- ہزینہ ہای ازدواج و تأمین خانوادہ؛

۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی و مدت خدمت سربازی برای پسران؛

۴- توقعات غیرضروری ناشی از برخی آداب و رسوم غلط؛

۵- رقابتهای نابجای خانوادگی؛

۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین و بی توجهی به راهنمایی های آنان.

◀ نکات مهم دین و زندگی پایه یازدهم کد ۱۱۱۲۰۵ (ویژه رشته علوم انسانی)

۱- عزت نفس: یکی از مهم ترین قدم ها در مسیر کمال، تقویت عزت نفس است. عزت از صفاتی است که قرآن کریم بیش از ۹۵ بار خداوند را بدان توصیف کرده است.

۲- عزت و ذلت: عزت به معنای «نفوذناپذیری» و «تسلیم نبودن» است. وقتی می گویند خداوند عزیز است، معنایش این است که کسی نمی تواند در اراده او نفوذ نماید و او را تسلیم خود کند.

واژه ذلت درست مقابل "عزت" قرار دارد و به معنای نفوذ پذیری و مغلوب و تسلیم بودن است. بنابر تعاریف فوق، «انسان عزیز» کسی است که در برابر مستکبران و ظالمان و همچنین در مقابل هوی و هوس خویش می ایستد، مقاومت می کند و تسلیم نمی شود.

۳- راه های تقویت عزت: قرآن کریم و سیره معصومین راه های زیر را برای تقویت عزت نفس بیان می کنند:

۱- شناخت ارزش خود و نفروختن خویش به بهای اندک

۲- توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی او

۴- اسوه های عزت در برابر ستمگران: پیشوایان ما با تکیه بر بندگی خداوند و پیوند با او توانستند در سخت ترین شرایط، عزت مندانه زندگی کنند و هیچ گاه تن به ذلت و خواری ندهند.

۵- امام حسین می فرمایند:

«مرگ با عزت از زندگی با ذلت، برتر است.»

حضرت زینب، خواهر شجاع امام نیز پس از تحمل انبوه مصائب و سختی، که یکی از آنها میتواند انسان را درهم شکند، در پاسخ به جمله حقیرآمیز عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه که گفت:

دیدي خدا چه بر سر خاندان شما آورد؟ با قدرت فرمود: [در این واقعه] جز زیبایی ندیدم.

۶- انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

اول: تمایلات عالی و برتر، مانند تمایل به دانایی، عدالت، شجاعت، حیا، ایثار و حسن خلق که مربوط به روح الهی و معنوی انسان هستند.

دوم: تمایلات دانی، مانند تمایل به ثروت، شهرت، غذاهای لذیذ، زیورآلات و رفاه مادی، که مربوط به بعد حیوانی و دنیایی انسان است و وقتی به این تمایلات دست می یابیم، از آنها لذت می بریم و خوشحال می شویم.

۷- انسانی که به هوی و هوس پاسخ مثبت میدهد و تسلیم می شود، قدم در مسیر ذلت گذاشته و از راه رشد باز میماند. پس از این مرحله است که وقتی در برابر ستمگران و قدرتمندان قرار گرفت، زیر بار ذلت می رود و تسلیم خواسته های آنها هم میشود.

۸- هوی و هوس یا همان «نفس اماره» است که از ما می خواهد فقط به تمایلات بعد حیوانی سرگرم و مشغول باشیم و از تمایلات عالی و برتر غافل بمانیم.

۹- خانواده مقدس ترین بنای اجتماعی نزد خداست. این بنا با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان کامل میشود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را تجربه میکنند و فرزندان را در دامن خود می پرورانند.

۱۰- قرآن کریم، در تقابل با فرهنگ رایج آن زمان، به زن شخصیت انسانی بخشید و معیار کرامت را نه براساس جنسیت بلکه براساس فضایل انسانی و ایمان و تقوا قرار داد.

۱۱- بر اساس آموزه های کتاب مقدس (تورات و انجیل) مسیحیان معتقدند زن منبع هر شر و فساد در عالم است. زن ستیزی و شر انگاری وی، در تمام دورانی که کلیسا بر غرب سیطره داشت از طرف کشیشان کلیسا ترویج می شد..

۱۲- تفاوت های میان زن و مرد به جهت وظایف هریک از زن و مختلف است که خالق حکیم برعهده شوهر نهاده است تا هرکدام از آنها بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش های خاصی را بر عهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدید آورند.

۱۳- مهمترین عامل پایداری خانواده، درک درست از زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک است.

۱۴- امروزه، جامعه ما از سه دسته خانواده تشکیل شده است:

۱- خانواده های سنتی: این خانواده ها که باورها و اعتقادات دینی خود را با برخی از آداب و سنت های محلی ترکیب کرده اند، از قدیم الایام وجود داشته اند. این خانواده ها، امتیازات و معایبی دارند.

۲- خانواده های مخالف سنت: این قبیل خانواده ها که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب، با هر سنتی خلاف هستند، می کوشند با الگو گرفتن از آن فرهنگ، از سنت ها فاصله بگیرند زندگی مدرن و جدیدی بسازند.

۳- خانواده متعادل و نمونه اسلامی: اینگونه خانواده ها میکوشند راهنماییهای اسلام را از سنت های غلط جامعه جدا کنند و با کنار گذاشتن سنت های غلط، زندگی خانوادگی را با معیارهای اسلامی بنا کنند و در انتخاب همسر یا تربیت فرزند از آن معیارها کمک بگیرند و تا آنجا از سنت های جامعه استفاده کنند که مخالف اسلام نباشد.

۱۵- مشکلات خانواده های مخالف سنت:

اول: نمی توانند بین سنت های غلط جامعه خود با آموزه های اسلام تفکیک قائل شوند و به همین جهت، هر سنت قدیم را فقط به این دلیل که قدیمی است، رد میکنند و انکار می نمایند.

دوم: از سطح ظاهری زندگی خانوادگی در غرب که از طریق رسانه ها یا مسافرت ها بیان میشود، اطلاع دارند و از لایه های عمیق و بنیانی آن مانند متلاشی شدن خانواده، فردگرایی و سردی روابط اعضای خانواده با یکدیگر، و ...، کمتر مطلع می شوند.

۱۶- انسان با رسیدن به سن بلوغ برای سعادت خود و خانواده ای که تشکیل خواهد داد، برنامه ریزی نماید. مهم ترین این برنامه ها در مورد تشکیل خانواده عبارت اند از:

۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ ۲- مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده

۳- شناخت معیار ها و شاخص های همسر مناسب ۴- شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

۱۷- دوره بلوغ تا ازدواج یکی از حساس ترین و ارزشمندترین دوره های عمر انسان است و دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت های زندگی است. .

۱۸- اقدامات زیر برای حفظ عفاف و پاکدامنی بسیار مؤثر است:

۱- کنترل نگاه و استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب، یا حضور در مجالس گناه آلود و توانایی «نه» گفتن به آنها؛

۲- انتخاب دوست دیندار و نمازخوان و معاشرت نکردن با افراد بی بند و بار؛

۳- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان؛

۴- انجام درست و به موقع نماز، به خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد و شرکت در جلسات مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و عزاداری ها و سخنرانی های پر محتوا؛ و ...

۱۹- اهداف ازدواج:

اول. پاسخ به نیاز جنسی:

ابتدایی ترین زمینه ازدواج، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است.

دوم. انس با همسر:

هریک از زن و مرد، علاوه بر نیاز جنسی، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز نیز پس از بلوغ آشکار می شود..

سوم. رشد و پرورش فرزندان:

خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهادی نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنها است.

چهارم. رشد اخلاقی و معنوی:

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، از همان ابتدا زمینه های فساد را از خود دور می کنند، مسئولیت پذیری را تجربه می نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می دهند.

۲۰- برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشید که هم به جدایی منجر نشود و هم آرامش و خوشبختی را به دنبال داشته باشد، لازم است که در تشکیل خانواده به هر چهار هدف توجه کنید و هدف چهارم را در مرتبه برتر قرار دهید.

۲۱- «بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی ها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.

۲۲- همانطور که پایداری بنیاد خانواده، سبب کم شدن فساد در جامعه می شود، ازدیاد فساد سالم نیز سبب سست شدن این بنیان می گردد. از این رو، هریک از ما که آرزومند داشتن خانواده و فرزندان سالم هستیم، باید به کم کردن فساد اجتماعی کمک کنیم.

۲۳- پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح میشود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل دختر و پسر برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام بگیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

۲۴- از نظر قرآن کریم، مهمترین معیار همسر شایسته، باایمان بودن اوست. هر قدر ایمان یک فرد قویتر باشد، شایستگی او برای همسری بیشتر است.

۲۵- آمادگی برای ازدواج، نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا میرسد.

